



مرکز تحقیقات اسلامی

اصفهان

گامی



عمران
علیهما صلوات

www. **Ghaemiyeh** .com
www. **Ghaemiyeh** .org
www. **Ghaemiyeh** .net
www. **Ghaemiyeh** .ir



غدير

در سیره عملی

موسسه فرهنگی
و پژوهشی امام خمینی

امام خاتمی

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ

غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام

نویسنده:

محمد رضا شریفی

ناشر چاپی:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

ناشر دیجیتال:

مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان

فهرست

۵	فهرست
۷	غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام
۷	مشخصات کتاب
۷	مقدمه
۸	بخش اول: اتمام حجتهای حضرت امام علی النقی علیه السلام با غدیر
۸	اشاره
۸	پاورقی بخش اول
۸	بخش دوم: غدیر در زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام
۸	اشاره
۹	فرازهایی از زیارت غدیریه
۹	اشاره
۹	الف- مناقب و القاب امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۰	ب- حقایق و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۱	ج- تبری در زیارت غدیریه
۱۲	د- آیه ی ولایت در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام
۱۵	متن زیارت غدیریه
۲۰	ترجمه متن زیارت غدیریه
۲۷	زیارت غدیریه دیگر
۲۷	ترجمه متن زیارت دیگر
۲۷	پاورقی بخش دوم
۲۸	بخش سوم: منشور امامت در زیارت جامعه کبیره امام هادی علیه السلام
۲۸	اشاره
۲۹	تشریف سید رشتی و زیارت جامعه کبیره

۳۰	تشریح علامه مجلسی (ره) و زیارت جامعه کبیره
۳۰	متن زیارت جامعه کبیره
۳۳	پاورقی بخش سوم
۳۳	بخش چهارم: گفتارهای نورانی از امام هادی علیه السلام
۳۳	اشاره
۳۵	پاورقی بخش چهارم
۳۶	درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام

مشخصات کتاب

سرشناسه: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱

عنوان و نام پدیدآور: غدیر در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام / محمد رضا شریفی.

مشخصات نشر دیجیتال: اصفهان: مرکز تحقیقات رایانه ای قائمیه اصفهان، ۱۳۹۱.

مشخصات ظاهری: نرم افزار تلفن همراه و رایانه

موضوع: امام هادی (ع) - غدیر

مقدمه

بسم الله الرحمن الرحيم

مقدمه

در روز غدیر خم پیامبر صلی الله علیه و آله علاوه بر معرفی سیدالاصیاء، مولی علی علیه السلام، دیگر ائمه معصومین علیهم السلام، از جمله امام هادی علیه السلام را نیز، به امر الهی، برای خلافت و وصایت خود، معرفی کرده و در خطابه غدیر فرمودند:

«ثُمَّ مِنْ بَعْدِي عَلِيٌّ وَوَلِيُّكُمْ وَإِمَامُكُمْ بِأَمْرِ رَبِّكُمْ ثُمَّ الْإِمَامَةُ فِي ذُرِّيَّتِي مِنْ وُلْدِهِ إِلَى يَوْمِ تَلْقَوْنَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ» (۱)

«و پس از من علی علیه السلام، به فرمان خداوند، پروردگارتان، صاحب اختیار، سرپرست و امام شما است، سپس امامت در ذریه ی من از فرزندان علی علیه السلام قرار خواهد گرفت تا روزی که خدا و رسول او را دیدار کنید».

بنابراین هر کدام از اهل بیت علیهم السلام به نحوی به تبیین وظائف، شئون و اختیارات امام معصوم علیه السلام، در خطبه ها، نامه ها، زیارات و روایات پرداخته، و با طرح امامت منصوصی با ریشه ی قرآنی، به عنوان حقی که خداوند بر عهده ی امامان علیهم السلام گذاشته، به آن استشهاد نموده اند و به اشکال مختلف بر اساس واقعه ی مهم و تاریخی غدیر، به رهبری الهی خود، در این گفتمان، تصریح نموده اند، با توجه به شرایط زمانی و نیاز مردم به تقویت عقائد در مورد امامت، امام هادی علیه السلام به نحو شایسته ای به میدان آمده و علاوه بر معرفی خود، به عنوان خلیفه و جانشین پیامبر صلی الله علیه و آله و امام هدایتگر، برای مردم، با طرح زیارت غدیره و زیارت جامعه ی کبیره و اتمام حجت هایی در این زمینه، جایگاه همه ی اهل بیت علیهم السلام را در بحث امامت تفسیر و تبیین نموده اند.

بنابراین با دقت و تأمل در سیره ی عملی امام هادی علیه السلام، به اتمام حجت هایی قوی راجع به غدیر و امامت می رسیم که با عنایات حضرات معصومین علیهم السلام به ویژه آن حضرت متذکر آنها می شویم و با تقدیم آن به محضر امام باقر علیه السلام، در روز اول رجب، خشنودی اهل بیت علیهم السلام، خاصه امام زمان عجل الله تعالی فرجه الشریف را خواستاریم و برای ظهور و فرج آن حضرت دست به دعا بر می داریم.

رجب المرجب ۱۴۳۳ ه.ق

غدیرستان کوثر نبی (صلی الله علیه و آله)

محمد رضا شریفی

بخش اول: اتمام حجت‌های حضرت امام علی النقی علیه السلام با غدیر

اشاره

۱- امام هادی علیه السلام در سالی که معتصم عباسی آن حضرت را از مدینه به سامرا آورد، در روز غدیر به کوفه آمدند و به زیارت قبر امیرالمؤمنین علیه السلام در نجف رفتند و زیارت مفصلی را که شامل یک دوره سی کامل اعتقادی درباره سی فرهنگ غدیر است خواندند و ماجرای غدیر را ضمن آن چنین بیان فرمودند: پیامبر صلی الله علیه و آله سنگینی سفر را بر خود هموار نمود و در شدت گرمای ظهر پیا خاست و خطابه سی ایراد کرد و شنواید و ندا کرد و رسانید و... فرمود: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً...»، ولی جز عده ی کمی ایمان نیاوردند.

۲- اهل اهواز نامه سی به امام هادی علیه السلام نوشتند و سؤالاتی را مطرح کردند. حضرت در پاسخ آنان نامه ای نوشتند و جواب سؤالاتشان را دادند و از جمله فرمودند: ما این آیه را در قرآن می یابیم که «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا...»، روایات متفق است که این آیه درباره سی امیرالمؤمنین علیه السلام است. بعد می بینیم که پیامبر صلی الله علیه و آله علی بن ابی طالب علیه السلام را از بین اصحابش جدا کرد و این عبارت را بکار برد: «مَنْ كُنْتُ مَوْلَاً فَعَلَيْ مَوْلَاً». از این ارتباط می فهمیم که قرآن به درستی این اخبار و حقانیت این شواهد گواهی می دهد. (۱)

باورقی بخش اول

۱- اسرار غدیر/ ص ۲۸۱.

بخش دوم: غدیر در زیارت غدیر به امام هادی علیه السلام

اشاره

روح این زیارت زیبا و جامع که امام حسن عسکری علیه السلام از پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام نقل می کند، تولی و تبری است؛ با سلام بر پیامبر اسلام و انبیاء و فرشتگان و بندگان صالح خدا و وارث علم انبیاء امیرمؤمنان علی علیه السلام شروع می شود، و با لعن قاتلان انبیاء و اوصیای آنها و قاتل امیرمؤمنین علیه السلام و غاصبان حق او و جنگ کنندگان با او و قاتلان امام حسین علیه السلام و پیروان آنها، و صلوات بر پیامبر اسلام و سید اوصیاء علی علیه السلام و آل پاک او خاتمه می یابد. و در اثناء به مناقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام که در آیات و روایات آمده، و نیز به اذیت ها و ظلم های وارد بر حضرت و غصب فدک و ظلم به حضرت صدیقه طاهره سلام الله علیها و... اشاره شده است. (۱)

یکی از جلوه های زیبای بزرگداشت غدیر در زیارت مخصوص امام علی علیه السلام در روز غدیر مشاهده می شود. کلمات آن زیارت زمزمه روح نواز امام هادی علیه السلام است و تاریخ صدور آن سالی است که معتصم خلیفه عباسی آن حضرت را به بغداد احضار کرد. در این موقعیت، حضرت به زیارت امیرمؤمنان علیه السلام شتافت؛ حدیث دلبری و یادمان ارزشهای راستین راتجلی دیگر بخشید و میراث ماندگاری از شکوه ولایت در خاطره ها به یادگار گذاشت.

در زمینه اتقان سند و استحکام صدور آن صاحب «هدیه الزائرین» می نویسد:

«شیخ جلیل محمد بن المشهدی یکی از بزرگان علما است. درمزار کبیر برای این زیارت شریفه سند بسیار معتبری ذکر نموده که کمتر خبری به قوت سند او می رسد؛ و عبارت او در این مقام چنین است: خبر داد مرا فقیه اجل ابوالفضل شاذان بن جبرئیل قمی

از فقیه عماد محمد بن ابی القاسم الطبری از ابی علی از پدرش محمد بن الحسن (شیخ طوسی) از شیخ مفید محمد بن محمد بن نعمان از ابی القاسم جعفر بن قولویه از محمد بن یعقوب کلینی از علی بن ابراهیم از پدرش ابراهیم بن هاشم از ابی القاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید عمری از ابی محمد حسن بن علی العسکری از پدرش «امام هادی علیه السلام» و این سلسله شریفه همه از اعیان علما و شیوخ طائفه و روسای مذهب اند و جناب ابوالقاسم حسین بن روح و عثمان بن سعید هر دو از نواب امام عصر علیه السلام هستند و بعد از تامل معلوم می شود که در تمام زیارات ماثوره زیارتی به این وجه از صحت و اعتبار و قوت سند پیدا نمی شود.»

محتوای زیارت درباره فرهنگ غدیر و زندگی شکوهمند امام علی علیه السلام است.

فرازهایی از زیارت غدیریه

اشاره

فرازهایی از زیارت غدیریه

در زیارت غدیریه امام هادی علیه السلام به مناقب، فضائل، القاب، آیات ولایت در مورد حضرت امیرالمؤمنین علی علیه السلام اشاره شده است از جمله: ۱- اختصاص لقب امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛ ۲- اعلیت امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛ ۳- سؤال و باز پرس از ولایت؛ ۴- ایمان امیرالمؤمنین و نخستین مسلمان بودن آن حضرت؛ ۵- شجاعت امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛ ۶- عبادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام؛ ۷- علی یعسوب المؤمنین است؛ ۸- علی قائد الغر المحجلین است؛ ۹- اخوت پیامبر با علی علیه السلام؛ ۱۰- آیات ولایت (ایه تبلیغ، آیه اکمال، آیه ولایت، آیه سؤال سائل بعداب واقع) که در ذیل به بعضی از آنها به تفصیل اشاره می نمایم.

الف- مناقب و القاب امیرالمؤمنین علیه السلام

الف- مناقب و القاب امیرالمؤمنین علیه السلام:

- ۱- علی امیرالمؤمنین.
- ۲- علی سید الوصیین.
- ۳- علی وارث علم النبیین.
- ۴- علی ولی رب العالمین و مولی المؤمنین.
- ۵- علی امین الله فی ارضه و سفیره هی خلقه.
- ۶- علی حجه الله البالغه علی عباده.
- ۷- علی دین الله القویم و صراطه المستقیم.
- ۸- علی النبا العظیم.
- ۹- علی سید المسلمین و یعسوب المؤمنین، و امام المتقین، و قائد الغر المحجلین.
- ۱۰- علی اخو رسول الله.
- ۱۱- علی وصی رسول الله و وارث علمه و امینه علی شرعه و خلیفته فی امته.
- ۱۲- علی اول من آمن بالله و صدق بما انزل علی نبیه.

- (۱۳) - علیّی اولی بالمؤمنین من انفسهم.
- (۱۴) - علیّی الذابّ عن دینه.
- (۱۵) - علیّی الذی نطق القرآن بتفضیله.
- (۱۶) - علیّی المخصوص بمدحه الله، المخلص لطاعه الله.
- (۱۷) - علیّی سید الوصیین، و اول العابدین و ازهد الزاهدین.
- (۱۸) - علیّی مطعم الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً لوجه الله.
- (۱۹) - علیّی الکاظم للغیظ، و العافی عن الناس.
- (۲۰) - علیّی الصابر فی البأساء و الضراء و حین البأس.
- (۲۱) - علیّی القاسم بالسویّه، و العادل فی الرعیّه، و العالم بحدود الله من جمیع البریّه.
- (۲۲) - علیّی المخصوص بعلم التنزیل، و حکم التأویل، و نص الرسول.
- (۲۳) - علیّی له المواقف المشهوره، و المقامات المشهوره، و الايام المذكوره، يوم بدر و يوم الاحزاب و يوم احد و يوم حنین و يوم خیبر.
- (۲۴) - علیّی حائز درجه الصبر، فائز بعظیم الاجر.
- (۲۵) - علیّی الحججه البالغه، و المحججه الواضحه، و النعمه السابقه، و البرهان المنیر.
- (۲۶) - علیّی شهد مع النبی صلی الله علیه و آله جمیع حروبه و مغازیه.
- (۲۷) - علیّی احسن الخلق عباده و اخلصهم زهاده، و اذنبهم عن الدین.
- (۲۸) - علیّی لا تاخذه فی الله لومه لائم.

ب- حقایق و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

ب- حقایق و فضائل حضرت امیرالمؤمنین علیه السلام

- (۱) - بسیاری از صحابه پس از عهد و پیمان با پیامبر صلی الله علیه و آله و علی علیه السلام پیمان خود را شکستند: «فلعن الله جاحد حقک بعد الاقرار، و نامث عهدک بعد الميثاق»، «فما آمن بما انزل الله فیک علی نبیه الا قلیل، و لازاد اکثرهم غیر تخسیر...»
- (۲) - اشاره به ماجرای لیله المبیّت (خوابیدن علی علیه السلام در بستر پیامبر): «اشهد انک و عمک و اخاک الذین تاجرتم بنفوسکم؛ فانزل الله فیکم: «ان الله اشترى من المومنین انفسهم و اموالهم بان لهم الجنة».
- (۳) - اکمال دین با ولایت او در روز غدیر: «ان العادل بک غیرک عاند عن الدین القویم، الذی ارتضاه لنا رب العالمین و اکمله بولایتک يوم الغدیر».
- (۴) - اشاره به ماجرای غدیر خم و خطبه ی پیامبر صلی الله علیه و آله: «ان الله تعالی استجاب لنبیه صلی الله علیه و آله دعوته، ثم امره باظهار ما اولاک لامته اعلاء لشانک، و اعلاناً لبرهانک و دحضاً للباطیل، و قطعاً للمعاذیر؛ فلما اشفق من فتنه الفاسقین، و اتقى فیک المنافقین، اوحى الیه رب العالمین: «یا ایها الرسول بلغ ما انزل الیک من ربک».
- (۵) - اشاره به منقبت تصدق امیرالمؤمنین علی علیه السلام در حال نماز: «انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یؤتون الزکوه و هم راکعون».
- (۶) - اشاره به نزول سوره ی هل اتی درباره ی اهل بیت علیهم السلام: «انت مطعم الطعام علی حبه مسکیناً و یتیمّاً و اسیراً لوجه الله لا ترید منهم جزاء و لا شکوراً».

- (۷)- اشاره به نزول آیه ۱-ی: «افمن كان مؤمناً كمن كان فاسقاً لا يستون» درباره ی حضرت علی علیه السلام: «والله تعالى اخبر عما اولاك من فضله بقوله: «افمن كان مؤمناً...».
- (۸)- اشاره به دلوری ۱-های امیرالمؤمنین علیه السلام در جنگ با کافران در کنار پیامبر صلی الله علیه و آله، جنگ بدر، احزاب، احد، حنین، خیبر: «و لك المواقف المشهوده، و المقامات المشهوره، و الايام المذكوره، يوم بدر و احزاب...».
- (۹)- اشاره به نبردهای امیرالمؤمنان علی علیه السلام با منافقان پس از شهادت پیامبر: جمل، صفین، نهراان: «واذ ما کرک الناکثان...»، «اقیمت حدود الله بسیفک، و فلتت عساکر المارقین بسیفک...»، «و لما رایت ان قتلت الناکثین و القاسطین و المارقین...»
- (۱۰)- اشاره به نزول آیه ۱-ی «و کونوا مع الصادقین» در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام: «وقد امر الله تعالی باتباعک، و ندب المومنین الی نصرک، و قال عزوجل: «یاایها الذین آمنوا اتقوا اله و کونوا مع الصادقین».
- (۱۱)- اشاره به شهادت عمار یاسر به دست فئه ۱-ی باغیه (تشکل معاویه): «وعمار یجاهد و ینادی بین الصفین...».
- (۱۲)- اشاره به غضب فدک و ظلم به حضرت زهرا علیها السلام: «والامر الالعجب و النخطب الالفتح بعد جحدک حقک، غضب الصدیقه الطاهره الزهراء...».
- (۱۳)- اشاره به نزول آیه ۱-ی تطهیر در حق اهل بیت علیهم السلام: «و قد اعلى الله تعالی علی الامه درجتکم، و رفع منزلتکم، و ابان فضلکم، و شرفکم علی العالمین، فاذهب عنکم الرجس و طهرکم تطهیراً...»
- (۱۴)- اشاره به ماجرای حکمیت: «و كذلك انت لما رفعت المصاحف...»
- (۱۵)- اشاره به شهادت امیرالمؤمنین علی علیه السلام به دست اشقی الاولین و الآخرین: «قلت: اما آن ان تخضب هذه من هذه، ام متى یبعث اشقاها...».
- (۱۶)- اشاره به شهادت جانسوز امام حسین علیه السلام و یاران او: «اللهم العن ظالمی الحسین و قاتلیه و المتابعین عدوه و ناصریه، و لراضین بقتله و خاذلیه لعناً و بیلاً».
- (۱۷)- اشاره به آیات فراوانی که در حق امیرالمؤمنین علی علیه السلام نازل شده است.
- (۱۸)- اشاره به روایات دیگری که از پیامبر صلی الله علیه و آله که درباره ی امیرالمؤمنین علی علیه السلام وارد شده است.

ج- تبری در زیارت غدیریه

- ج- تبری در زیارت غدیریه
- قابل توجه کسانی که لعن را جایز نمی دانند، یا از خواندن زیارت عاشورا و لعن کافران و منافقان هر چند مخفیانه نهی می کنند، یا لعن کافران و منافقیان را بی فایده می دانند! به این فرازهای زیارت توجه کنید:
- (۱)- «فلعن الله جاحد ولایتک بعد الاقرار، و ناکث بعد الميثاق».
- (۲)- «فلعن الله مستحلی الحرمة منك، و ذائدی الحق عنک».
- (۳)- «فلعن الله من ساواک بمن ناواک»
- (۴)- «فعل ابی العادیه لعنه الله و لعنه ملائکتہ و رسله اجمعین، و علی من سل سیفه علیک، و سللت سیفک علیه یا امیرالمؤمنین، من المشرکین و المنافقین الی یوم الدین...».
- (۵)- «اللهم العن قتله انبیائک، و اوصیاء انبیائک بجمیع لعناتک، و اصلهم حر نارک، و العن من غضب ولیک حقه، و انکر عهده، و جحده بعد یقین و الاقرار بالولایه له یوم اکملت له الدین، اللهم العن قتله امیرالمؤمنین و من ظلمه، و اشیاعهم و انصارهم».
- (۶)- «اللهم العن ظالمی الحسین و قاتلیه، و المتابعین عدوه و ناصریه، و الراضین بقتله و خاذلیه لعناً و بیلاً».

(۷) - اللهم العن اول ظالم ظلم آل محمد و مانعهم حقوقهم، اللهم خص اول ظالم و غاصب لآل محمد باللعن، و كل مستن بما سن الی يوم القيامة».

د- آیه ی ولایت در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام

د- آیه ی ولایت در مورد امیرالمؤمنین علیه السلام

در زیارت غدیر از آیه ولایت یاد شده است که می‌فرماید:

«انما ولیکم الله و رسوله و الذین آمنوا الذین یقیمون الصلاه و یوتون الزکاه و هم راکعون و من یتول الله و رسوله و الذین آمنوا فان حزب الله هم الغالبون.»

سرپرست و ولی شما تنها خدا است و پیامبر او و آنها که ایمان آورده‌اند، همانها که نماز برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات می‌دهند؛ و کسانی که ولایت خدا و پیامبرش و افراد با ایمان را بپذیرند، پیروزند، زیرا حزب و جمعیت خدا پیروز است.

مفسران اهل سنت و شیعه در شان نزول این آیه به نقل از ابوذر چنین می‌نویسند: ابوذر گفت: من به دو چشم خویش دیدم و به دو گوش خود شنیدم و چنانچه خلاف آن را نقل کنم، نابینا و ناشنوا گردم. که پیامبر صلی الله علیه و آله فرمود:

«علی قائد البرهه و قاتل الکفره و منصور من نصره و مخذول من خذله؛ علی پیشوای نیکان و قاتل کافران است. هر کس او را یاری کند، از ناحیه خداوند یاری می‌شود و هر کس او را تنها بگذارد، خدا او را خوار می‌سازد.»

بدانید من روزی نماز ظهر را با پیامبر صلی الله علیه و آله خواندم. فقیری کمک خواست؛ اما کسی چیزی به او نداد. در این حال سائل دستهای خویش را به آسمان بلند کرد و گفت: خدایا! تو شاهد باش که من در مسجد پیامبر صلی الله علیه و آله کمک خواستم اما کسی به من کمک نکرد.

علی علیه السلام که در حال رکوع بود و انگشتر در دست راست خویش داشت. به سائل اشاره کرد. سائل به سوی حضرت رفت و خاتم از انگشتر حضرت بر گرفت. رسول گرامی اسلام که این منظره را مشاهده کرده بود. - پس از نماز خویش دست به دعا برداشت و فرمود:

خدایا، موسی از تو خواستار شرح صدر و آسانی کار و باز شدن گره زبان خویش برای فهماندن کلامش شد و از تو خواست برادرش هارون را وزیر، پشتیبان و شریک در کارش قرار دهی و تو در پاسخ او فرمودی: «سنسد عضدک باخیک و نجعل لکما سلطانا فلا یصلون الیکما بآیاتنا» به زودی بازوان تو را به وسیله برادرت محکم و نیرومند می‌کنیم و برای شما سلطه و برتری قرار می‌دهیم و به برکت آیات ما بر شما دست نمی‌یابند.

خدایا، من محمد پیامبر و برگزیده تو هستم. خدایا، به من سعه صدر و آسانی در کار عطا کن و علی را که از اهل من است. وزیر و پشتیبان من قرار بده.

پس سوگند به خدا هنوز کلام پیامبر صلی الله علیه و آله تمام نشده بود که جبرئیل نازل شد و گفت: ای محمد! بخوان: «انما ولیکم الله و رسوله...»

این شأن نزول را علاوه بر محدثان و مفسران شیعه بسیاری از اهل سنت نیز نقل کرده‌اند. (۲)

استحکام این روایت نزد اهل سنت به گونه‌ای است که فاضل تفتازانی در کتاب شرح المقاصد (۳) و مولی علی قوشچی در شرح تجرید می‌گویند: «انها نزلت باتفاق المفسرین فی علی ابن ابی طالب علیه السلام حین اعطی السائل خاتمه و هو راکع فی صلاته.»

به اتفاق مفسران این آیه در حق علی ابن ابی طالب علیه السلام نازل گردید، زمانی که انگشتری را در حال رکوع به سائل بخشید. مرحوم علامه امینی (ره) شصت و شش سند برای این حدیث ذکر می‌کند که جویندگان می‌توانند به آن مراجعه کنند حسان در این

باره سروده‌ای دارد که در مدارک اهل سنت نیز نقل شده است:

«ایذهب مدحی و المحیین ضایعا و ما المدح فی ذات الاله بضائع فانت الذی اعطیت اذ انت راکع فدتک نفوس القوم یا خیر راکع بخاتمک المیمون یا خیر سید و یا خیر شار ثم یا خیر بایع فانزل فیک الله خیر ولایه و بینها فی محکمات الشرایع»
آیا مدح من و دیگر دوستداران و عاشقان ضایع می‌گردد؟! چنین نیست، مدحی که در راه خدا باشد از بین نخواهد رفت. تو بودی ای ابالحسن که در حال رکوع با انگشتی مبارک خود انفاق کردی.

جانهای مردم فدای تو باد ای بهترین رکوع کننده و ای بهترین آقاو خیرخواه و ای بهترین فروشنده «مال خود به خدا». سپس خدای درباره تو آیه ولایت «انما ولیکم الله» را که بهترین ولایت است. نازل فرمود و آن را در کتاب آسمانی و آیات روشن خویش بیان کرد.

امام هادی علیه السلام در نامه‌ای که به اهل اهواز ارسال داشت بر آنچه در این زیارت درباره آیه ولایت آمده تاکید ورزیده، می‌فرماید: صحیح‌ترین خبری که قرآن به صحت آن نیز گواهی داده است حدیثی است که به اتفاق نقل شده است که پیامبر گرامی اسلام فرمود: من دو جانشین و در تعبیر دیگر دو چیز گرانها برای شما باقی می‌گذارم: کتاب خدا و عترت.

اگر به این دو چنگک زیند، هرگز گمراه نخواهید شد و این دو از یکدیگر جدا نمی‌شوند تا در حوض کوثر بر من وارد شوند. ما شواهد این حدیث را آشکارا در آیه «انما ولیکم الله و رسوله...» می‌بینیم. «ثم اتفقت روایات العلماء فی ذلک لامیرالمومنین علیه السلام انه تصدق بخاتمه و هو راکع» سپس روایات دانشمندان به اتفاق بیانگر آن است که این آیه شریف درباره امیرمومنان علیه السلام نازل شد آن هم زمانی که حضرت در حال رکوع انگشترش را صدقه داد. سپس رسول گرامی آن را به روشنی بیان کرد و فرمود: هر کس من مولای اویم علی مولای اوست. خدایا، هر کس علی را ولی باشد تو نیز او را ولی باش و هر کس با او دشمن باشد تو نیز او را دشمن باش؛ و در حدیث دیگر می‌فرماید: علی علیه السلام قرضهای مرا پرداخت می‌کند و او بعد از من خلیفه شما است.

از اینها متوجه می‌شویم که قرآن بر درستی این اخبار گواهی داده، امت باید پذیرای آن باشد.

قراین زیر نشان می‌دهد مراد از «ولی» سرپرست و اولویت در تصرف است.

۱- شأن نزول آیه ولایت

پس از اینکه پیامبر گرامی اسلام از خداوند خواست برای او وزیری از اهل خویش همانند هارون وصی حضرت موسی علیه السلام قرار دهد، این آیه برای برآوردن این خواسته نازل شد و طبعی است. آیه وقتی با خواست پیامبر صلی الله علیه و آله مطابق است که ولایت به معنای سرپرستی و وصایت باشد؛ زیرا در این صورت علی علیه السلام وزیر رسول خدا خواهد بود و خواسته آن حضرت اجابت شده است.

اگر ولایت به معنای «دوستدار» باشد، با خواست پیامبر هم‌آهنگ نیست.

۲- مفرد بودن «ولی» و عدم تکرار آن

آیه همان ولایت خدا و پیامبر صلی الله علیه و آله را برای صدقه دهنده در حال رکوع نیز اثبات می‌کند؛ زیرا ولی به صورت مفرد آمده و تکراری صورت نگرفته است. با توجه به کلمه انما که در کلام عرب بیانگر انحصار است. آیه شریفه می‌فهماند که این ولایت در خدا و پیغمبر و شخصی که در حال رکوع صدقه داده، منحصر است؛ و در این صورت جز معنای سرپرستی و اولیت در تصرف معنایی نخواهد داشت؛ زیرا اگر ولی در آیه به معنای دوست باشد، نادرستی آن روشن است و دوست مردم به این سه منحصر نیست.

کیفیت انطباق آیه بر امام علی علیه السلام

گروهی می‌گویند: چگونه جمله «الذین آمنوا» در آیه ولایت بر امام علی علیه‌السلام منطبق می‌شود در حالی که جمع است و نمی‌تواند برای فرد خاص استعمال شود.

در پاسخ به این اشکال گفته‌اند: «الذین آمنوا» جمع است؛ اما برای تعظیم و بیان قدر و جلالت امیرمؤمنان علی علیه‌السلام جمع به کار رفته است.

افزون بر این، در بسیاری از آیات برای فرد خاص جمع به کار رفته. دو نمونه از این آیات عبارت است از:

الف) مفسران در ذیل آیه «وآخرن اعترفوا بذنبهم خلطوا عملا صالحا و آخر سیئا عسی ان یتوب علیهم»؛ و گروهی دیگر به گناهان خود اعتراف کردند و کار خوب و بد را به هم آمیختند، امید می‌رود که خداوند توبه آنها را بپذیرد. گفته‌اند: آیه مزبور با آن که جمع است. فقط درباره ابولبابه انصاری نازل شده است.

ب) در آیه «الذین قال لهم الناس ان الناس قد جمعوا لكم فاخشوهم فزادهم ايمانا؛ آنها که مردم به آنان گفتند مردم برای «حمله به» شما اجتماع کرده‌اند، از آنها بترسید. پس بر ایمانشان افزود.»

نوشته‌اند: گوینده این سخن نعیم ابن مسعود اشجعی بود، اما آیه به صورت جمع نازل شده است.

مرحوم علامه امینی (ره) بیست آیه ذکر می‌کند که در آنها لفظ جمع بر موردی خاص دلالت دارد.

رابطه پرداخت زکات و توجه تام امام علی علیه‌السلام در نماز گروهی نیز گفته‌اند: یکی از مقامات علی علیه‌السلام این است که وقت نماز چنان به ذات باری تعالی توجه داشت که هیچ چیز نمی‌توانست او را به خود مشغول سازد و حتی تیر از پای مبارکش بیرون آوردند. در این صورت چگونه ممکن است به خواست سائل توجه کند و در حال رکوع انگشتر به او دهد؟!!

بعضی پاسخ داده‌اند: شنیدن صدای سائل و به کمک او پرداختن توجه به خویشتن نیست بلکه عین توجه به خدا است؛ علی علیه‌السلام در حال نماز از خود بیگانه بود نه از خدا؛ به عبارت دیگر، آنچه با روح عبادت سازگار نیست، توجه به مسائل مربوط به زندگی مادی و شخصی است و توجه به آنچه در مسیر رضای خدا است کاملاً با روح عبادت سازگار است. معنای غرق شدن در توجه به خدا این نیست که انسان بی اختیار احساس خود را از دست بدهد، بلکه با اراده خویش توجه خدا را از آنچه در راه خدا و برای خدا نیست بر می‌گیرد.

پاسخ دیگر این است که حالات حضرت به حسب نافله و نماز واجب فرق می‌کرد. در نماز واجب استغراق و حضور و خشوع چنان بود که از همه چیز جز عظمت الهی غافل می‌شد؛ اما در نماز نافله پرواز روحی اش این اوج و معراج را در همه حالات آن نداشته است؛ و ممکن است حضرت در حال نماز نافله صدقه به سائل بخشیده است.

شان نزول و کیفیت نقل آن نیز بر درستی این مساله گواهی می‌دهد؛ زیرا نمازهای واجب به امامت رسول گرامی اسلام خوانده می‌شد و این مجال برای سائل پدید نمی‌آمد که تقاضایش را در حال نماز مطرح کند.

سومین پاسخ که مطلب را بیشتر روشن می‌کند در مطالعه و مشاهده حالات اولیای الهی نهفته است. آنان در سیر و سلوک روحی و میقات الهی خویش گاه چنان بی‌تاب و محو جمال ربوبی می‌شدند که از همه آنچه در اطرافشان می‌گذشت غافل بودند.

بی خود از شعشه پرتو ذاتم کردند باده از جام تجلی صفاتم دادند برقی از منزل لیلی بدرخشید سحر و که با خرمن مجنون دل افکار چه کرد

در حالات حضرت یعقوب پیامبر آمده است: از او پرسیدند: چگونه از پیراهن یوسف جایگاهش را تشخیص دادی اما در چاه کنعان او رانیدی؟!!

یکی پرسید: زان گم گشته فرزند که‌ای روشن ضمیر پیر خردمند ز مصرش بوی پیراهن شنیدی ولی در چاه کنعانش ندیدی.

در جواب گفت: جذبه‌ها و حالات مختلف است و بر این اساس، تجلیات و درخشش‌ها نیز متفاوت.

بگفت احوال ما برق جهان است گهی پیدا گهی در زیر خاک است.

از پیامبر گرامی اسلام نقل شده است که فرمود: «لی مع الله وقت لا یسعها ملک مقرب و لا نبی مرسل».

مرا حالاتی است که هیچ فرشته مقرب الهی و پیامبر مرسلی به آن نرسد.

براین اساس، می‌توان گفت: آن زمان که تیر از پای مبارک علی علیه‌السلام بیرون آورده می‌شد و حضرت هیچ التفاتی به آن نداشت، به اوج این پرواز و قله متعالی فنای فی‌الله مربوط است. اما زمانی که به سائل توجه می‌کند، در حالی است که این پرواز و معراج روحی در آن اوج نیست.

البته دست ما خاکیان از سفر روحانی و درک شیوه و توجه تام حضرت به باری تعالی کوتاه است و آن بزرگواران چنان است که خود فرمود: «لا یرقی الی الطیر» هیچ تیز پروازی بر ستیغ و بلندای دانش و معنویت من دست نمی‌یابد.

مبالغه در قیمت انگشتر

اتفاق انگشتر به وسیله امیر مؤمنان علیه‌السلام با حقایق تاریخی که در منابع اسلامی فریقین وارد شده است. اثبات می‌شود. البته در این میان پیرایه‌هایی است که باید آن را از واقعیت این رخداد جدا ساخت. از آن جمله مبالغه‌هایی است که در قیمت انگشتر شده است. گروهی بهای آن را معادل خراج و مالیات شام ذکر کرده‌اند.

این قیمت به دلایل زیر نمی‌تواند اساس درستی داشته باشد.

۱- مستند این تخمین ضعیف است و در روایات معتبر و صحیحی که در شان نزول ذکر شده، اثری از آن دیده نمی‌شود.

۲- مطالعه در حالات و زندگی حضرت بیانگر آن است که حضرت از اموال نفیس و گرانبها استفاده نمی‌کرد. آنچه در روایات مورد اتفاق و معتبر آمده این است که «و کان یتختم بها»؛ حضرت همواره از این انگشتر استفاده می‌کرد. بی تردید اگر انگشتر از نظر ارزش در سطح بالایی بود، حضرت به صورت مستمر از آن استفاده نمی‌کرد آن هم با موقعیت طاقت فرسای مسلمین در مدینه. این سخنان در قیمت انگشتر در ملاک ارزش بودن جاذبه‌های مادی ریشه دارد.

آنچه در این فضیلت، شخصیت امام علی علیه‌السلام را آشکار می‌سازد، اخلاص و ایثار در راه خداست نه ارزش مادی انگشتر. این روح عبودیت است که کار نیک را به سوی خدا رهنمون می‌کند و موجب نزول آیات حق می‌گردد.

در این زمینه، آیات دیگری نیز مورد استناد امام هادی علیه‌السلام قرار گرفته است. (۴)

متن زیارت غدیریه

متن زیارت غدیریه

«السَّلَامُ عَلَی مُحَمَّدٍ رَسُولِ اللَّهِ، خَاتَمِ النَّبِیِّینَ، وَ سَیِّدِ الْمُرْسَلِیْنَ، وَ صَیْفُوهُ رَبُّ الْعَالَمِیْنَ، أَمِینَ اللَّهِ عَلَی وَحِیهِ، وَ عَزَائِمِ أَمْرِهِ، الْخَاتِمِ لِمَا سَبَقَ، وَ الْفَاتِحِ لِمَا اسْتَقْبَلَ، وَ الْمُهَيِّمِ عَلَی ذَلِكْ كُلِّهِ، وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَکَاتُهُ وَ صِلَوَاتُهُ وَ تَحِیَّاتُهُ، السَّلَامُ عَلَی أَنْبِیَاءِ اللَّهِ وَ رُسُلِهِ، وَ مَلَائِكَتِهِ الْمُقَرَّبِیْنَ، وَ عِبَادِهِ الصَّالِحِیْنَ.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَ سَیِّدَ الْوَصِيِّیْنَ، وَ وَارِثَ عِلْمِ النَّبِیِّیْنَ، وَ وَلِيَّ رَبِّ الْعَالَمِیْنَ، وَ مَوْلَايَ وَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِیْنَ وَ رَحْمَهُ اللَّهُ وَ بَرَکَاتُهُ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، يَا أَمِينَ اللَّهِ فِي أَرْضِهِ، وَ سَفِيرَهُ فِي خَلْقِهِ، وَ حُجَّتَهُ الْبَالِغَةَ عَلَی عِبَادِهِ.

السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا دِينَ اللَّهِ الْقَوِيمَ، وَ صِرَاطَهُ الْمُسْتَقِيمَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ أَيُّهَا النَّبِيُّ الْعَظِيمُ، الَّذِي هُمْ فِيهِ مُخْتَلِفُونَ، وَ عَنْهُ يُسْأَلُونَ، السَّلَامُ عَلَیْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ.

آمَنْتَ بِاللَّهِ وَ هُمْ مُشْرِكُونَ، وَ صَدَقْتَ بِالْحَقِّ وَ هُمْ مُكَذِّبُونَ، وَ جَاهَدْتَ وَ هُمْ مُحْجِمُونَ، وَ عَبَدْتَ اللَّهَ مُخْلِصًا لَهُ الدِّينَ، صَابِرًا مُحْتَسِبًا حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ، أَلَا لَعْنَةُ اللَّهِ عَلَی الظَّالِمِينَ.

السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا سَيِّدَ الْمُسْلِمِينَ، وَيَعْسُوبَ الْمُؤْمِنِينَ، وَإِمَامَ الْمُتَّقِينَ، وَقَائِدَ الْغُرِّ الْمُحَجَّلِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتُهُ. أَشْهَدُ أَنَّكَ أَخُو الرَّسُولِ وَوَصِيُّهُ، وَوَارِثُ عِلْمِهِ، وَآمِنُهُ عَلَى شَرْعِهِ، وَخَلِيفَتُهُ فِي أُمَّتِهِ، وَأَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَصِدْقٌ بِمَا أَنْزَلَ عَلَى نَبِيِّهِ، وَأَشْهَدُ أَنَّهُ قَدْ بَلَغَ عَنِ اللَّهِ مَا أَنْزَلَهُ فِيكَ، وَصِدْعٌ بِأَمْرِهِ، وَأَوْجِبُ عَلَى أُمَّتِهِ فَرَضَ وَلَايَتِكَ، وَعَقَدَ عَلَيْهِمُ الْبَيْعَةَ لَكَ، وَجَعَلَكَ أَوْلَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنْفُسِهِمْ كَمَا جَعَلَهُ اللَّهُ كَذَلِكَ.

ثُمَّ أَشْهَدَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَيْهِمْ فَقَالَ: أَلَسْتُ قَدْ بَلَّغْتُ؟ فَقَالُوا: اللَّهُمَّ بَلَى، فَقَالَ: اللَّهُمَّ أَشْهَدُ وَكَفَى بِكَ شَهِيداً، وَحَاكِمًا بَيْنَ الْعِبَادِ، فَلَعَنَ اللَّهُ جَاوِدَ وَلَايَتِكَ بَعْدَ الْإِفْرَارِ، وَنَاكَثَ عَهْدِكَ بَعْدَ الْمِيثَاقِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَوْفَيْتَ بَعْدَ اللَّهِ تَعَالَى وَأَنَّ اللَّهَ تَعَالَى مُوفٍ بِعَهْدِهِ لَكَ، «وَمَنْ أَوْفَى بِمَا عَاهَدَ عَلَيْهِ اللَّهُ فَسَيُؤْتِيهِ أَجْرًا عَظِيمًا» وَأَشْهَدُ أَنَّكَ أَمِيرُ الْمُؤْمِنِينَ الْحَقُّ، الَّذِي نَطَقَ بِوَلَايَتِكَ التَّنْزِيلُ، وَأَخَذَ لَكَ الْعَهْدَ عَلَى الْأُمَّةِ بِذَلِكَ الرَّسُولِ، وَأَشْهَدُ أَنَّكَ وَعَمَّكَ وَأَخَاكَ، الَّذِينَ تَاجَرْتُمُ اللَّهَ بِنُفُوسِكُمْ، فَأَنْزَلَ اللَّهُ فِيكُمْ: «إِنَّ اللَّهَ اشْتَرَى مِنَ الْمُؤْمِنِينَ أَنْفُسَهُمْ وَأَمْوَالَهُمْ بِأَنْ لَهُمُ الْجَنَّةُ يُقَاتِلُونَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ فَيَقْتُلُونَ وَيُقْتَلُونَ وَعِدًّا عَلَيْهِ حَقًّا فِي التَّوْرَةِ وَالْإِنْجِيلِ وَالْقُرْآنِ وَمَنْ أَوْفَى بِعَهْدِهِ مِنَ اللَّهِ فَاسْتَبْشِرُوا بِنَيْعِكُمْ الَّذِي بَايَعْتُمْ بِهِ وَذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ» التَّائِبُونَ الْعَابِدُونَ الْحَامِدُونَ السَّائِحُونَ الرَّاكِعُونَ السَّاجِدُونَ الْآمِرُونَ بِالْمَعْرُوفِ وَالنَّاهُونَ عَنِ الْمُنْكَرِ وَالْحَافِظُونَ لِحُدُودِ اللَّهِ وَبَشِّرِ الْمُؤْمِنِينَ» أَشْهَدُ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ أَنَّ الشَّاكَّ فِيكَ مَا آمَنَ بِالرَّسُولِ الْأَمِينِ، وَأَنَّ الْعَادِلَ بِكَ غَيْرَكَ عَادِلٌ عَنِ الدِّينِ الْقَوِيمِ، الَّذِي ارْتَضَاهُ لَنَا رَبُّ الْعَالَمِينَ، فَأَكْمَلَهُ بِوَلَايَتِكَ يَوْمَ الْغَدِيرِ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ الْمَعْنِيُّ بِقَوْلِ الْعَزِيزِ الرَّحِيمِ: «وَأَنَّ هَذَا صِرَاطِي مُسْتَقِيمًا فَاتَّبِعُوهُ وَلَا تَتَّبِعُوا السُّبُلَ فَتَفَرَّقَ بِكُمْ عَن سَبِيلِهِ»، ضَلَّ وَاللَّهِ وَأَضَلَّ مَنْ اتَّبَعَ سِوَاكَ، وَعِنْدَ عَنِ الْحَقِّ مَنْ عَادَاكَ.

اللَّهُمَّ سَمِعْنَا لِأَمْرِكَ، وَأَطَعْنَا وَاتَّبَعْنَا صِرَاطَكَ الْمُسْتَقِيمَ، فَاهْدِنَا رَبَّنَا، وَلَا تُزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ الْهُدَى عَن طَاعَتِكَ، وَاجْعَلْنَا مِنَ الشَّاكِرِينَ لِأَنْعَمِكَ.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ لَمْ تَزَلْ لِلْهَوَى مُخَالَفًا، وَلِلتَّقَى مُحَالَفًا، وَعَلَى كَظْمِ الْغَيْظِ قَادِرًا، وَعَنِ النَّاسِ عَافِيًا، وَإِذَا عُصِيَ اللَّهُ سَاخِطًا، وَإِذَا أُطِيعَ اللَّهُ رَاضِيًا، وَبِمَا عَاهَدَ اللَّهُ إِلَيْكَ عَامِلًا، رَاعِيًا مَا اسْتَحْفَظْتَ، حَافِظًا مَا اسْتَوْدَعْتَ، مُبْلِغًا مَا حُمِّلْتَ، مُنْتَظِرًا مَا وُعِدْتَ. وَأَشْهَدُ أَنَّكَ مَا اتَّقَيْتَ ضَارِعًا، وَلَا أَمْسَيْتَ عَنْ حَقِّكَ جَازِعًا، وَلَا أَحْجَمْتَ عَنْ مُجَاهَدَةِ عَاصِيكَ نَاكِلاً، وَلَا أَظْهَرْتَ الرِّضَا بِخِلَافِ مَا يَرْضَى اللَّهُ مُدَاهِنًا، وَلَا وَهَنْتَ لِمَا أَصَابَكَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ، وَلَا ضَعُفْتَ وَلَا اسْتَكْنَتَ عَنْ طَلَبِ حَقِّكَ مُرَاقِبًا. مَعَادَ اللَّهِ أَنْ تَكُونَ كَذَلِكَ، بَلْ إِذْ ظَلِمْتَ فَاحْتَسَبْتَ رَبَّكَ، وَفَوَضْتَ إِلَيْهِ أَمْرَكَ، وَذَكَرْتَ فَمَا ذَكَرُوا، وَعَوَّظْتَ فَمَا اتَّعَظُوا، وَخَوَّفْتَهُمُ اللَّهَ فَمَا يَخَافُوا.

وَأَشْهَدُ أَنَّكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ، حَتَّى دَعَاكَ اللَّهُ إِلَى جِوَارِهِ، وَقَبَضَكَ إِلَيْهِ بِاخْتِيَارِهِ، وَالزَّمَّ أَعْدَاءَكَ الْحُجَّةَ، بِقَتْلِهِمْ إِيَّاكَ، لِتَكُونَ لَكَ الْحُجَّةُ عَلَيْهِمْ، مَعَ مَا لَكَ مِنَ الْحُجَجِ الْبَالِغَةِ عَلَى جَمِيعِ خَلْقِهِ. السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ عَيْدَتِ اللَّهُ مُخْلِصًا، وَجَاهَدْتَ فِي اللَّهِ صَابِرًا، وَجَدْتَ بِنَفْسِكَ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، وَعَمِلْتَ بِكِتَابِهِ، وَاتَّبَعْتَ سُنَّةَ نَبِيِّهِ، وَأَقَمْتَ الصَّلَاةَ، وَآتَيْتَ الزَّكَاةَ، وَأَمَرْتَ بِالْمَعْرُوفِ، وَنَهَيْتَ عَنِ الْمُنْكَرِ مَا اسْتَطَعْتَ، مُبْتَغِيًا مَرْضَاةَ مَا عِنْدَ اللَّهِ، رَاغِبًا فِيهَا وَعَدَدَ اللَّهُ.

لَمَا تَخَفْتُ بِالنَّوَابِ، وَلَا تَهِنْتُ عِنْدَ الشَّدَائِدِ، وَلَا تُحْجِمُ عَنْ مُحَارِبِ، أَفَكَ مَنْ نَسَبَ غَيْرَ ذَلِكَ وَافْتَرَى بَاطِلًا عَلَيْكَ، وَأَوْلَى لِمَنْ عِنْدَ عَنكَ.

لَقَدْ جَاهَدْتَ فِي اللَّهِ حَقَّ الْجِهَادِ، وَصَبَرْتَ عَلَى الْأَذَى صَبْرًا حَسَبًا، وَأَنْتَ أَوَّلُ مَنْ آمَنَ بِاللَّهِ، وَصَلَّى لَهُ، وَجَاهَدَ، وَأَبْدَى صِيْفَتَهُ فِي دَارِ الشُّرُوكِ، وَالْأَرْضِ مَشْحُونَةً ضَلَالَةً، وَالشَّيْطَانَ يُعْبُدُ جَهْرَةً.

وَأَنْتَ الْقَائِلُ: لَا تَزِيدُنِي كَثْرَةَ النَّاسِ حَوْلِي عِزَّةً، وَلَا تَفَرِّقُهُمْ عَنِّي وَخَشَةً، وَلَوْ أَسْلَمَنِي النَّاسُ جَمِيعًا لَمْ أَكُنْ مُتَّصِرًا، اعْتَصِمْتُ بِاللَّهِ فَعَزَّزْتُ، وَآتَرْتُ الْآخِرَةَ عَلَى الْأُولَى فَزَهَّدْتُ، وَأَيَّدَكَ اللَّهُ وَهَدَاكَ، وَأَخْلَصَكَ وَاجْتَبَاكَ.

فَمَا تَنَاقَضَتْ أفعالُكَ، وَ لَا اخْتَلَفَتْ أحوالُكَ، وَ لَا تَقَلَّبَتْ أحوالُكَ، وَ لَا ادَّعَيْتَ وَ لَا افْتَرَيْتَ عَلَى اللَّهِ كَذِبًا، وَ لَا شَرِهْتَ إِلَى الحُطَامِ، وَ لَا دَنَسَكَ الأثَامَ، وَ لَمْ تَزَلْ عَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّكَ وَ يَقِينٍ مِنْ أَمْرِكَ، تَهْدِي إِلَى الحَقِّ وَ إِلَى صِرَاطٍ مُسْتَقِيمٍ.

أشْهَدُ شَهَادَةً حَقًّا، وَ أَقْسِمُ بِاللَّهِ قَسَمِ صِدْقٍ أَنَّ مُحَمَّدًا وَ آلَهُ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْهِمْ ساداتُ الخَلْقِ، وَ أَنْتَ مَوْلَى الْمُؤْمِنِينَ، وَ أَنْتَ عَبْدُ اللَّهِ وَ وَليُّهُ وَ أخُو الرُّسُولِ، وَ وصِيُّهُ وَ وارِثُهُ، وَ أَنَّهُ القَائِلُ لَكَ:

وَ الَّذِي بَعَثَنِي بِالْحَقِّ مَا آمَنَ بِي مِنْ كَفَرٍ بِكَ، وَ لَا أَقْرَ بِاللَّهِ مِنْ جَحْدِكَ.

وَ قَدْ ضَلَّ مَنْ صَدَّ عَنْكَ، وَ لَمْ يَهْتَدِ إِلَى اللَّهِ تَعَالَى وَ لَا إِلَى مَنْ لَا يَهْدِي بِكَ، وَ هُوَ قَوْلُ رَبِّي عَزَّ وَ جَلَّ: «وَ إِنِّي لَغَفَّارٌ لِمَنْ تَابَ وَ آمَنَ وَ عَمِلَ صَالِحًا ثُمَّ اهْتَدَى» إِلَى وَ لايَتِكَ.

مَوْلَى فَضْلِكَ لَا يَخْفَى، وَ نُورُكَ لَا يُطْفِئُ، وَ إِنَّ مَنْ جَحْدَكَ الظُّلُومُ الأَشَقَى، مَوْلَى أَنْتَ الحُجَّةُ عَلَى العِبَادِ، وَ الهَادِي إِلَى الرِّشَادِ، وَ العُدَّةُ لِلْمَعَادِ.

مَوْلَايَ لَقَدْ رَفَعَ اللَّهُ فِي الأُولَى مَنْزِلَتَكَ، وَ أَعْلَى فِي الأَخْرَى دَرَجَتَكَ، وَ بَصَّرَكَ مَا عَمِيَ عَلَى مَنْ خَالَفَكَ، وَ حَالَ بَيْنَكَ وَ بَيْنَ مَوَاهِبِ اللَّهِ لَكَ.

فَلَعَنَ اللَّهُ مُسِيئَتِي الحُرْمَةَ مِنْكَ وَ ذَائِدَ الحَقِّ عَنْكَ، وَ أَشْهَدُ أَنَّهُمُ الأَخْسِرُونَ، الَّذِينَ تَلْفَحُ وَ جُوهَهُمُ النَّارُ، وَ هُمْ فِيهَا كَالْحِوْنِ وَ أَشْهَدُ أَنَّكَ مَا أَقْدَمْتَ، وَ لَا أَحْجَمْتَ، وَ لَا نَطَقْتَ، وَ لَا أَمْسَيْتَ إِلَّا بِأَمْرِ مِنَ اللَّهِ وَ رَسُولِهِ، قُلْتَ: وَ الَّذِي نَفْسِي بِيَدِهِ لَنَنْظُرَ إِلَى رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ، أَضْرِبُ قُدَامَهُ بِسَيْفِي فَقَالَ: يَا عَلِيُّ أَنْتَ عِنْدِي بِمَنْزِلَةِ هَارُونَ مِنْ مُوسَى إِلَّا أَنَّهُ لَا نَبِيَّ بَعْدِي، وَ أَعْلِمُكَ أَنَّ مَوْتَكَ وَ حَيَاتَكَ مَعِي وَ عَلَى سَيِّئِي، فَوَ اللَّهُ مَا كَذَبْتُ وَ لَا كُذِّبْتُ، وَ لَا ضَلَمْتُ وَ لَا ضَلَّ بِي، وَ لَا نَسِيْتُ مَا عَهَدْتُ إِلَى رَبِّي، وَ إِنِّي لَعَلَى بَيِّنَةٍ مِنْ رَبِّي، بَيْنَهَا لَبِيئِي، وَ بَيْنَهَا النَّبِيُّ لِي، وَ إِنِّي لَعَلَى الطَّرِيقِ الوَاضِحِ، أَلْفِظُهُ لَفْظًا، صَدَقْتَ وَ اللَّهُ وَ قُلْتَ الحَقَّ.

فَلَعَنَ اللَّهُ مَنْ سَاوَاكَ بِمَنْ نَاوَاكَ، وَ اللَّهُ جَلَّ ذِكْرُهُ يَقُولُ: «هَلْ يَسْتَوِي الَّذِينَ يَعْلَمُونَ وَ الَّذِينَ لَا يَعْلَمُونَ»، وَ لَعَنَ اللَّهُ مَنْ عَدَلَ بِكَ مَنْ فَرَضَ اللَّهُ عَلَيْهِ وَ لايَتِكَ.

وَ أَنْتَ وَ لِيُّ اللَّهِ وَ أخُو رَسُولِهِ، وَ الدَّابُّ عَنْ دِينِهِ، وَ الَّذِي نَطَقَ القُرْآنُ بِتَفَضُّعِهِ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَ فَضَّلَ اللَّهُ المُجَاهِدِينَ عَلَى القَاعِدِينَ أَجْرًا عَظِيمًا دَرَجَاتٍ مِنْهُ وَ مَغْفِرَةً وَ رَحْمَةً وَ كَانَ اللَّهُ غَفُورًا رَحِيمًا» وَ قَالَ اللَّهُ تَعَالَى:

«أَجْعَلَنَّ سِقَايَةَ الحَاجِّ وَ عِمَارَةَ المُسْجِدِ الحَرَامِ كَمَنْ آمَنَ بِاللَّهِ وَ اليَوْمِ الآخِرِ وَ جَاهَدَ فِي سَبِيلِ اللَّهِ لَا يَسْتَوُونَ عِنْدَ اللَّهِ وَ اللَّهُ لَا يَهْدِي القَوْمَ الظَّالِمِينَ الَّذِينَ آمَنُوا وَ هَاجَرُوا وَ جَاهِدُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ بِأَمْوَالِهِمْ وَ أَنفُسِهِمْ أَعْظَمَ دَرَجَةً عِنْدَ اللَّهِ وَ أولئِكَ هُمُ الفَائِزُونَ يُبَشِّرُهُمْ رَبُّهُمْ بِرَحْمَةٍ مِنْهُ وَ رِضْوَانٍ وَ جَنَّتِ لَهُمْ فِيهَا نَعِيمٌ مُقِيمٌ خَالِدِينَ فِيهَا أبدأً إِنَّ اللَّهَ عِنْدَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ» أَشْهَدُ أَنَّكَ المَخْصُوصُ بِمَدْحِهِ اللَّهِ، المَخْلُصُ لِطَاعَتِهِ اللَّهِ، لَمْ تَبِغِ بِالْهُدَى يَدًا وَ لَمْ تُشْرِكْ بِعِيَادِهِ رَبِّكَ أَحَدًا، وَ أَنَّ اللَّهَ تَعَالَى اسْتَجَابَ لِنَبِيِّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ فِيكَ دَعْوَتُهُ.

ثُمَّ أَمَرَهُ بِإِظْهَارِ مَا أَوْلَاكَ لِأُمَّتِهِ، إِعْلَاءَ لِشَانِكَ، وَ إِعْلَانًا لِزُهْدَانِكَ، وَ دَخْضًا لِلْأَبَاطِيلِ، وَ قَطْعًا لِلْمَعَادِيرِ، فَلَمَّا أَشْفَقَ مِنْ فِتْنَةِ الفَاسِقِينَ، وَ اتَّقَى فِيكَ المُنَافِقِينَ، أَوْحَى اللَّهُ رَبُّ العَالَمِينَ: «يَا أَيُّهَا الرُّسُولُ بَلِّغْ مَا أُنزِلَ إِلَيْكَ مِنْ رَبِّكَ وَ إِنْ لَمْ تَفْعَلْ فَمَا بَلَّغْتَ رِسَالَتَهُ وَ اللَّهُ يَعْصِمُكَ مِنَ النَّاسِ» فَوَضَعَ عَلَى نَفْسِهِ أوزارَ المُسِيرِ، وَ نَهَضَ فِي رَمَضَاءِ الهَجِيرِ، فَخَطَبَ فَاسْمَعَ، وَ نادَى فَابْلَغَ، ثُمَّ سَأَلَهُمْ أَجْمَعُ: فَقَالَ: هَلْ بَلَّغْتُمْ؟ فَقَالُوا:

اللَّهُمَّ بَلَى، فَقَالَ: اللَّهُمَّ اشْهَدْ، ثُمَّ قَالَ أَلَسْتُ أُولَى بِالْمُؤْمِنِينَ مِنْ أَنفُسِهِمْ؟ فَقَالُوا: بَلَى، فَأَخَذَ بِيَدِكَ، وَ قَالَ: مَنْ كُنْتُ مَوْلَاهُ فَهَذَا عَلِيٌّ مَوْلَاهُ، اللَّهُمَّ وَالْ مَنْ وَالَاهُ، وَ عَادِ مَنْ عَادَاهُ، وَ انصُرْ مَنْ نَصَرَهُ، وَ اخذْ مَنْ خَذَلَهُ.

فَمَا آمَنَ بِمَا أُنزِلَ اللَّهُ فِيكَ عَلَى نَبِيِّهِ إِلَّا قَلِيلٌ، وَ لَا زَادَ أَكْثَرُهُمْ إِلَّا تَحْخِيرًا، وَ لَقَدْ أُنزِلَ اللَّهُ تَعَالَى فِيكَ مِنْ قَبْلُ وَ هُمْ كَارِهُونَ:

«يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا مَنْ يَزِدْكُمْ مِنْكُمْ عَنْ دِينِهِ فَسَوْفَ يَأْتِي اللَّهُ بِقَوْمٍ يُحِبُّهُمْ وَ يُحِبُّونَهُ أَذِلَّةٌ عَلَى الْمُؤْمِنِينَ أَعِزَّةٌ عَلَى الكَافِرِينَ يُجَاهِدُونَ

فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا يَخَافُونَ لَوْمَةَ لَائِمٍ ذَلِكَ فَضْلُ اللَّهِ يُؤْتِيهِ مَنْ يَشَاءُ وَاللَّهُ وَاسِعٌ عَلِيمٌ إِنَّمَا وَلَّيْنَاكَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا الَّذِينَ يُقِيمُونَ الصَّلَاةَ وَيُؤْتُونَ الزَّكَاةَ وَهُمْ رَاكِعُونَ، وَمَنْ يَتَوَلَّ اللَّهَ وَرَسُولَهُ وَالَّذِينَ آمَنُوا فَإِنَّ حِزْبَ اللَّهِ هُمُ الْغَالِبُونَ» رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَاتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَاكْتُبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ، رَبَّنَا لَا تَزِغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَهَبْ لَنَا مِنْ لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ.

اللَّهُمَّ إِنَّا نَعْلَمُ أَنَّ هَذَا هُوَ الْحَقُّ مِنْ عِنْدِكَ، فَالْعَنْ مَنْ عَارَضَهُ وَاسْتَكْبَرَ وَكَذَّبَ بِهِ وَكَفَرَ، وَسَيَعْلَمُ الَّذِينَ ظَلَمُوا أَىُّ مُنْقَلَبٍ يَنْقَلِبُونَ، السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ، وَسَيِّدَ الْوَصِيِّينَ، وَأَوَّلَ الْعَابِدِينَ، وَأَزْهَدَ الرَّاهِدِينَ، وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ وَصَلَوَاتِهِ وَتَحِيَّاتِهِ.

أَنْتَ مُطْعِمُ الطَّعَامِ عَلَيَّ حُبِّهِ مَسْكِينًا وَيَتِيمًا وَاسْتَبْرَأَ لَوَجْهِ اللَّهِ، لَا تَرِيدُ مِنْهُمْ جَزَاءً وَلَا شُكُورًا، وَفِيكَ أَنْزَلَ اللَّهُ تَعَالَى: «وَيُؤْتِرُونَ عَلَيَّ أَنْفُسَهُمْ وَ لَوْ كَانَ بِهِمْ خَصَاصَةٌ وَمَنْ يُوقِ شُحَّ نَفْسِهِ فَأُولَئِكَ هُمُ الْمُفْلِحُونَ» وَأَنْتَ الْكَاطِمُ لَلْغَيْظِ، وَالْعَافِي عَنِ النَّاسِ، وَاللَّهُ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ*، وَأَنْتَ الصَّابِرُ فِي الْبُؤْسَاءِ وَالضَّرَّاءِ وَحِينَ الْبِئْسَاءِ، وَأَنْتَ الْقَاسِمُ بِالسَّوِيَّةِ، وَالْعَادِلُ فِي الرَّعِيَّةِ، وَالْعَالِمُ بِحُدُودِ اللَّهِ مِنْ جَمِيعِ الْبَرِيَّةِ.

وَاللَّهُ تَعَالَى أَخْبَرَ عَمَّا أَوْلَاكَ مِنْ فَضْلِهِ بِقَوْلِهِ: «أَفَمَنْ كَانَ مُؤْمِنًا كَمَنْ كَانَ فَاسِقًا لَا يَسْتَوُونَ أَمَّا الَّذِينَ آمَنُوا وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ فَلَهُمْ جَنَّاتُ الْمَأْوَى نُزُلًا بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ» وَأَنْتَ الْمَخْصُوصُ بِعِلْمِ التَّنْزِيلِ وَحُكْمِ التَّأْوِيلِ، وَنَصِيرِ الرَّسُولِ، وَلَكَ الْمَوَاقِفُ الْمَشْهُورَةُ، وَالْمَقَامَاتُ الْمَشْهُورَةُ وَالْأَيَّامُ الْمَذْكُورَةُ، يَوْمَ بَدْرٍ وَيَوْمَ الْأَخْزَابِ:

«إِذْ زَاغَتِ الْأَبْصَارُ وَبَلَغَتِ الْقُلُوبُ الْحَنَاجِرَ وَ تَظُنُّونَ بِاللَّهِ الظُّنُونًا هُنَالِكَ ابْتُلِيَ الْمُؤْمِنُونَ وَ زُلْزِلُوا زَلْزَالًا شَدِيدًا وَإِذْ يَقُولُ الْمُنَافِقُونَ وَالَّذِينَ فِي قُلُوبِهِمْ مَرَضٌ مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ إِلَّا غُرُورًا وَإِذْ قَالَتْ طَائِفَةٌ مِنْهُمْ يَا أَهْلَ يَثْرِبَ لَا مُقَامَ لَكُمْ فَارْجِعُوا وَيَسْتَأْذِنُ فَرِيقٌ مِنْهُمُ النَّبِيَّ يَقُولُونَ إِنَّ بُيُوتَنَا عَوْرَةٌ وَمَا هِيَ بِعَوْرَةٍ إِنْ يُرِيدُونَ إِلَّا فِرَارًا وَقَالَ اللَّهُ تَعَالَى: وَلَمَّا رَأَى الْمُؤْمِنُونَ الْأَخْزَابَ قَالُوا هَذَا مَا وَعَدَنَا اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَصَدَقَ اللَّهُ وَرَسُولُهُ وَمَا زَادَهُمْ إِلَّا إِيمَانًا وَتَسْلِيمًا فَفَتَلَتْ عَمْرُوهُمْ وَهَزَمَتْ جَمْعَهُمْ، وَرَدَّ اللَّهُ الَّذِينَ كَفَرُوا بِغَيْظِهِمْ لَمْ يَنَالُوا خَيْرًا وَكَفَى اللَّهُ الْمُؤْمِنِينَ الْقِتَالَ وَكَانَ اللَّهُ قَوِيًّا عَزِيزًا وَيَوْمَ أُحُدٍ: إِذْ تُضَيِّعُ عِدوُّونَ وَ لَا تَلْوُونَ عَلَيَّ أَحَدٌ وَالرَّسُولُ يَدْعُوكُمْ فِي أُحُدٍ كُمْ»، وَأَنْتَ تَدُوذُ بِهِمُ الْمَشْرِكِينَ عَنِ النَّبِيِّ ذَاتِ الْيَمِينِ وَذَاتِ الشَّمَالِ، حَتَّى صَرَفَهُمَا عَنْكَ الْخَائِفِينَ، وَنَصَرَ بِكَ الْخَادِلِينَ.

وَيَوْمَ حُنَيْنٍ عَلَيَّ مَا نَطَقَ بِهِ التَّنْزِيلُ: «إِذْ أَعْجَبَتْكُمْ كَثْرَتُكُمْ فَلَمْ تُغْنِ عَنْكُمْ شَيْئًا وَصَافَتْ عَلَيْكُمْ الْأَرْضُ بِمَا رَحُبَتْ ثُمَّ وَابْتِئْتُمُ مِدْبَرِينَ ثُمَّ أَنْزَلَ اللَّهُ سَيِّئَاتِهِ عَلَيَّ رَسُولِهِ وَعَلَى الْمُؤْمِنِينَ» وَالْمُؤْمِنُونَ أَنْتَ وَمَنْ يَلِيكَ، وَعَمَّكَ الْعَبَّاسُ يُبَادِي الْمُنْهَزِمِينَ: يَا أَصْحَابَ سُورَةَ الْبَقَرَةَ، يَا أَهْلَ بَيْعَةِ الشَّجَرَةِ، حَتَّى اسْتَجَابَ لَهُ قَوْمٌ قَدْ كَفَيْتَهُمُ الْمُؤْمِنُونَ، وَتَكَلَّمْتَ دُونَهُمُ الْمُعُونَةَ.

فَعَادُوا آيِسِينَ مِنَ الْمُتَوْبِيَّةِ، رَاجِحِينَ وَعَيْدَ اللَّهِ تَعَالَى بِالتَّوْبَةِ، وَذَلِكَ قَوْلُهُ جَلَّ ذِكْرُهُ: «ثُمَّ يَتُوبُ اللَّهُ مِنْ بَعْدِ ذَلِكَ عَلَيَّ مِنْ يَشَاءُ»، وَأَنْتَ حَائِزٌ دَرَجَةَ الصَّبْرِ، فَائِزٌ بِعَظِيمِ الْأَجْرِ.

وَيَوْمَ خَيْبَرَ إِذْ أَظْهَرَ اللَّهُ حَوْرَ الْمُنَافِقِينَ، وَقَطَعَ ذَابِرَ الْكَافِرِينَ، وَالْحَمْدُ لِلَّهِ رَبِّ الْعَالَمِينَ*: «وَلَقَدْ كَانُوا عَاهِدُوا اللَّهَ مِنْ قَبْلِ لَا يُؤَلُّونَ الْأَذْبَارَ، وَكَانَ عَهْدُ اللَّهِ مَسْئُولًا، مَوْلَايَ أَنْتَ الْحُجَّةُ الْبَالِغَةُ، وَالْمَحْجَةُ الْوَاضِحَةُ، وَالنَّعْمَةُ السَّابِغَةُ، وَالْبُرْهَانُ الْمُنِيرُ، فَهَيِّنَا لَكَ مَا آتَاكَ اللَّهُ مِنْ فَضْلٍ، وَتَبَّأ لِسَانِكَ ذِي الْجَهْلِ.

شَهِدْتَ مَعَ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ جَمِيعَ حُرُوبِهِ وَمَعَارِيهِ، تَحْمِلُ الرِّايَةَ أَمَامَهُ، وَتَضْرِبُ بِالسَّيْفِ قُدَّامَهُ، ثُمَّ لِحَزْمِكَ الْمَشْهُورِ، وَبَصَّةِ يَرْتَكَ بِمَا فِي الْأُمُورِ، أَمَرَكَ فِي الْمَوَاطِنِ، وَلَمْ يَكُ عَلَيْكَ أَمِيرٌ، وَكَمْ مِنْ أَمْرٍ صَدَّكَ عَنْ إِمْضَاءِ عَزْمِكَ فِيهِ التَّقَى، وَاتَّبَعَ غَيْرَكَ فِي نَيْلِ الْهَوَى، فَظَنَّ الْجَاهِلُونَ أَنَّكَ عَجَزْتَ عَمَّا إِلَيْهِ اتَّهَى، ضَلَّ وَاللَّهُ الظَّانُّ لِدَلِّكَ وَمَا اهْتَدَى.

وَلَقَدْ أَوْضَحْتَ مَا أَشْكَلَ مِنْ ذَلِكَ لِمَنْ تَوَهَّمُ وَامْتَرَى بِقَوْلِكَ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْكَ: قَدْ بَرَى الْحَوْلُ الْقَلْبُ وَجْهَ الْحِيلَةِ، وَدُونَهَا حَاجِزٌ مِنْ تَقْوَى اللَّهِ، فَيَدْعُهَا رَأَى الْعَيْنِ، وَيَسْتَهْزِئُ فُوزَتْهَا مَنْ لَا جَرِيحَةَ لَهُ فِي الدِّينِ، صَدَقْتَ وَخَسِرَ الْمُبْطِلُونَ.

وَإِذْ مَا كَرَّكَ النَّاكِتَانِ فَقَالَ: تُرِيدُ الْعُمْرَةَ، فَقُلْتَ لَهُمَا: لَعَمْرِي لَمَّا تُرِيدَانِ الْعُمْرَةَ لَكِنَّ الْعُدْرَةَ، وَأَخَذْتَ الْبَيْعَةَ عَلَيْهِمَا، وَجَدَّدْتَ الْمِيثَاقَ فَجَدَّأَ فِي التَّفَاقِ، فَلَمَّا بَثَّتَهُمَا عَلَيَّ فِعْلَهُمَا أَغْفَلًا وَعَادَا، وَمَا انْتَفَعَا، وَكَانَ عَاقِبَةُ أَمْرِهِمَا خُسْرًا.

ثُمَّ تَلَاهُمَا أَهْلُ الشَّامِ فَسَبَّوَتْ إِلَيْهِمْ بَعْدَ الْإِعْذَارِ، وَ هُمْ لَا يَدِينُونَ دِينَ الْحَقِّ وَلَا يَتَذَبَّرُونَ الْقُرْآنَ، هَمَجَ رَعَاعَ ضَالُونَ، وَ بِالَّذِي أَنْزَلَ عَلَيَّ مُحَمَّدٍ فِيكَ كَافِرُونَ، وَ لِأَهْلِ الْخِلَافِ عَلَيْكَ نَاصِرُونَ.

وَ قَدْ أَمَرَ اللَّهُ تَعَالَى بِاتِّبَاعِكَ وَ نَدَبَ إِلَى نَصِيرِكَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ وَ كُونُوا مَعَ الصَّادِقِينَ» مَوْلَى بِكَ ظَهَرَ الْحَقُّ، وَ قَدْ نَبَذَهُ الْخَلْقُ، وَ أَوْضَحَتِ السُّنَنُ بَعْدَ الدُّرُوسِ وَ الطَّمَسِ، وَ لَكَ سَابِقَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَصْدِيقِ التَّنْزِيلِ، وَ لَكَ فَضِيلَةُ الْجِهَادِ عَلَى تَحْقِيقِ التَّأْوِيلِ، وَ عَدُوُّكَ عَدُوُّ اللَّهِ، جَا حِدٌ لِرَسُولِ اللَّهِ، يَدْعُو بِاطْلَا، وَ يَحْكُمُ جَائِرًا، وَ يَتَأَمَّرُ غَاصِبًا، وَ يَدْعُو حِزْبَهُ إِلَى النَّارِ. وَ عَمَّا يُجَاهِدُ وَ يَبَادِي بَيْنَ الصَّفَيْنِ: الرِّوَا حِ الرِّوَا حِ إِلَى الْجَنَّةِ، وَ لَمَّا اسْتَسْقَى، فَسَقَى اللَّبْنَ كَبْرًا وَ قَالَ: قَالَ لِي رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ إِلَهِهِ: آخِرُ شَرَابِكَ مِنَ الدُّنْيَا ضِيَا حٌ مِنْ لَبْنٍ وَ تَقْتُلُكَ الْفِتْنَةُ الْبَاغِيَّةُ، فَاعْتَرَضَهُ أَبُو الْعَادِيَةِ الْفَزَارِيُّ فَقَتَلَهُ.

فَعَلَى أَبِي الْعَادِيَةِ لَعْنَةُ اللَّهِ وَ لَعْنَةُ مَلَائِكَتِهِ وَ رُسُلِهِ أَجْمَعِينَ، وَ عَلَى مَنْ سَيَّلَ سَيْفَهُ عَلَيْكَ وَ سَيَّلَتْ عَلَيْهِ سَيْفَكَ يَا أَمِيرَ الْمُؤْمِنِينَ مِنْ الْمُشْرِكِينَ وَ الْمُتَنَافِقِينَ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ، وَ عَلَى مَنْ رَضِيَ بِمَا سَاءَ كَ وَ لَمْ يَكْرَهُهُ، وَ أَعْمَصَ عَيْنَهُ وَ لَمْ يُنْكِرْهُ، أَوْ أَعَانَ عَلَيْكَ بِيَدٍ أَوْ لِسَانٍ، أَوْ قَعِدَ عَنْ نَصِيرِكَ، أَوْ خَذَلَ عَنِ الْجِهَادِ مَعَكَ، أَوْ عَمَطَ فَضْلَكَ، أَوْ جَحَدَ حَقَّكَ، أَوْ عَدَلَ بِكَ مَنْ جَعَلَكَ اللَّهُ أَوْلَى بِهِ مِنْ نَفْسِهِ، وَ صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ وَ رَحْمَةُ اللَّهِ وَ بَرَكَاتُهُ وَ سَلَامُهُ وَ تَحِيَّاتُهُ، وَ عَلَى الْأَائِمَّةِ مِنَ آلِكَ الطَّاهِرِينَ، إِنَّهُ حَمِيدٌ مَجِيدٌ.

وَ الْأَمْرُ الْأَعْجَبُ وَ الْخُطْبُ الْأَفْطَحُ بَعْدَ جَعْدِكَ حَقَّكَ، غَضِبَ الصَّدِيقُ الرَّهْرَاءِ سَيِّدُهُ النَّسَاءِ فَدَكَ، وَ رَدَّ شَهَادَتِكَ وَ شَهَادَةَ السَّيِّدِينَ سَأَلَتِكَ وَ عَتَرَهُ أَحْيِكَ الْمُضْطَفَى صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكُمْ، وَ قَدْ أَعْلَى اللَّهُ تَعَالَى عَلَى الْأُمَّةِ دَرَجَتَكُمْ، وَ رَفَعَ مَنزِلَتَكُمْ، وَ أَبَانَ فَضْلَكُمْ، وَ شَرَّفَكُمْ عَلَى الْعَالَمِينَ، فَأَذْهَبَ عَنْكُمْ الرَّجْسَ وَ طَهَّرَكُمْ طَهِيرًا، قَالَ اللَّهُ حَيْلٌ وَ عَزَّ: «إِنَّ الْإِنْسَانَ خُلِقَ هَلُوعًا إِذْ مَسَّهُ الشَّرُّ جَزُوعًا وَ إِذْ مَسَّهُ الْخَيْرُ مَنُوعًا إِلَّا الْمُصَلِّينَ» فَاسْتَشْنَى اللَّهُ تَعَالَى نَبِيَّهُ الْمُضْطَفَى وَ أَنْتَ يَا سَيِّدَ الْأَوْصِيَاءِ مِنْ جَمِيعِ الْخَلْقِ، فَمَا أَعَمَّهُ مَنْ ظَلَمَكَ عَنِ الْحَقِّ، ثُمَّ أَفْرَضُوكَ سَهْمَ ذَوِي الْقُرْبَى مَكْرًا، أَوْ حَادُوهُ عَنْ أَهْلِهِ جَوْرًا.

فَلَمَّا آلَ الْأَمْرُ إِلَيْكَ أَجْرَبْتَهُمْ عَلَى مَا أَجْرِيَا رَغْبَةً عَنْهُمَا بِمَا عِنْدَ اللَّهِ لَكَ، فَأَشْبَهَتْ مِحْنَتَكَ بِهِمَا مِحْنَ الْأَنْبِيَاءِ عَلَيْهِمُ السَّلَامُ عِنْدَ الْوَحْدَةِ وَ عَدَمِ الْأَنْصَارِ، وَ أَشْبَهَتْ فِي النَّبَاتِ عَلَى الْفِرَاشِ الدَّبِيحِ عَلَيْهِ السَّلَامُ، إِذْ أَجَبَتْ كَمَا أَجَابَ، وَ أَطَعَتْ كَمَا أَطَاعَ إِسْمَاعِيلُ صَابِرًا مُحْتَسِبًا، إِذْ قَالَ لَهُ:

«يَا بُنَيَّ إِنِّي أَرَى فِي الْمَنَامِ أَنِّي أَذْبَحُكَ فَانظُرْ مَا ذٰلِكَ» تَرَى قَالَ يَا أَبَتِ افْعَلْ مَا تُؤْمَرُ سَتَجِدُنِي إِنْ شَاءَ اللَّهُ مِنَ الصَّابِرِينَ وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا أَبَاتَكَ النَّبِيُّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آتَمَّكَ أَنْ تَضْطَجِعَ فِي مَرْقَدِهِ، وَاقِيَا لَهُ بِنَفْسِكَ، أَسْرِعْتَ إِلَى إِجَابَتِهِ مُطِيعًا، وَ لِنَفْسِكَ عَلَى الْقَتْلِ مُوْطِنًا، فَشَكَرَ اللَّهُ تَعَالَى طَاعَتَكَ، وَ أَبَانَ عَنْ جَمِيلِ فِعْلِكَ بِقَوْلِهِ جَلَّ ذِكْرُهُ: «وَمِنَ النَّاسِ مَنْ يَشْرِي نَفْسَهُ ابْتِغَاءَ مَرْضَاتِ اللَّهِ» ثُمَّ مِحْنَتِكَ يَوْمَ صِفِّينَ، وَ قَدْ رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ حَيْلَهُ وَ مَكْرًا، فَأَعْرَضَ الشُّكَّ، وَ عَرَفَ الْحَقَّ وَ اتَّبَعَ الظَّنَّ، أَشْبَهَتْ مِحْنَةَ هَارُونَ إِذْ أَمَرَهُ مُوسَى عَلَى قَوْمِهِ فَتَفَرَّقُوا عَنْهُ، وَ هَارُونَ يُنَادِيهِمْ:

«يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهِ وَ إِنْ رَبُّكُمْ الرَّحْمَنُ فَاتَّبِعُونِي وَ أَطِيعُوا أَمْرِي قَالُوا لَنْ نَبْرَحَ عَلَيْهِ عَاكِفِينَ حَتَّى يَرْجِعَ إِلَيْنَا مُوسَى» وَ كَذَلِكَ أَنْتَ لَمَّا رُفِعَتِ الْمَصَاحِفُ قُلْتَ: يَا قَوْمِ إِنَّمَا فُتِنْتُمْ بِهَا وَ خُدِعْتُمْ، فَعَصَوْكَ وَ خَالَفُوا عَلَيْكَ، وَ اسْتَدْعَوْا نَصَبَ الْحَكَمِيِّينَ، فَأَبَيْتَ عَلَيْهِمْ، وَ تَبَرَّأْتَ إِلَى اللَّهِ مِنْ فِعْلِهِمْ وَ فَوَّضْتَهُ إِلَيْهِمْ.

فَلَمَّا أَسْفَرَ الْحَقُّ وَ سَفِهَ الْمُتَكَبِّرُ، وَ اعْتَرَفُوا بِالزَّلَلِ وَ الْجَوْرِ عَنِ الْقَضِيدِ وَ اخْتَلَفُوا مِنْ بَعِيدِهِ، وَ الزُّمُوكَ عَلَى سَفِهَةِ التَّحْكِيمِ الَّذِي أَبَيْتَهُ، وَ أَحْبُوهُ وَ حَظَرْتَهُ، وَ أَبَاحُوا ذَنْبَهُمُ الَّذِي افْتَرَفُوهُ وَ أَنْتَ عَلَى نَهْجِ بَصَّةِ بِيْرِهِ وَ هُدًى، وَ هُمْ عَلَى سُبُنِّ ضَمَالَةٍ وَ عَمَى، فَمَا زَالُوا عَلَى النِّفَاقِ مُصَدِّقِينَ، وَ فِي الْغَى مُتَرَدِّدِينَ، حَتَّى أَذَاقَهُمُ اللَّهُ وَبَالَ أَمْرِهِمْ، فَأَمِيَاتَ بِسَيْفِكَ مَنْ عَانَكَ، فَسَقَى وَ هَوَى، وَ أَحْيَا بِحُجَّتِكَ مَنْ سَجَدَ فَهَدَى، صَلَوَاتُ اللَّهِ عَلَيْكَ غَادِيَةً وَ رَائِحَةً، وَ عَاكِفَةً وَ ذَاهِبَةً، فَمَا يُحِيطُ الْمَادِحُ وَ صَفَكَ، وَ لَا يُحِيطُ الطَّاعِنُ فَضْلَكَ.

أَنْتَ أَحْسَنُ الْخَلْقِ عِبَادَةً، وَ أَخْلَصُهُمْ زَهَادَةً، وَ أَذْبَهُمْ عَنِ الدِّينِ، أَقَمْتَ حُدُودَ اللَّهِ بِجِهَدِكَ، وَ فَلَلْتَ عَسَاكِرَ الْمَارِقِينَ بِسَيْفِكَ، تُحْمِدُ لَهَبَ الْحُرُوبِ بِنَانِكَ، وَ تَهْتِكُ سُتُورَ الشُّبُهَةِ بِبِنَانِكَ، وَ تَكْشِفُ لُبْسَ الْبَاطِلِ عَنْ صَرِيحِ الْحَقِّ، لَا تَأْخُذُكَ فِي اللَّهِ لَوْمَةٌ لَائِمٌ.

وَ فِي مَدْحِ اللَّهِ تَعَالَى لَكَ غَنَى عَنْ مَدْحِ الْمَادِحِينَ وَ تَقْرِيطِ الْوَاصِحِينَ، قَالَ اللَّهُ تَعَالَى: «مَنْ الْمُؤْمِنِينَ رِجَالٌ صَدَقُوا مَا عَاهَدُوا اللَّهَ عَلَيْهِ فَمِنْهُمْ مَنْ قَضَىٰ نَحْبَهُ وَ مِنْهُمْ مَنْ يَنْتَظِرُ وَ مَا يَدُلُّوا تَبْدِيلًا» وَ لَمَّا رَأَيْتَ قَدْ قَتَلْتَ النَّكَثِينَ وَ الْقَاسِيَةَ طِينَ وَ الْمَارِقِينَ، وَ صَدَقَكَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ عِدَّهُ، فَأَوْفَيْتَ بَعْدَهُ، قُلْتَ: أَمَّا أَنْ أَنْ تُخَضَّبَ هَيْدِهِ مِنْ هَيْدِهِ، أَمْ مَتَى يُبْعَثُ أَشْقَاهَا، وَاثِقًا بِأَنَّكَ عَلَىٰ بَيْنِهِ مِنْ رَبِّكَ وَ بَصِيرُهُ مِنْ أَمْرِكَ، قَادِمًا عَلَى اللَّهِ، مُسْتَبْشِرًا بِبَيْعِكَ الَّذِي بَايَعْتَهُ بِهِ، وَ ذَلِكَ هُوَ الْفَوْزُ الْعَظِيمُ.

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَهُ أَنْبِيَائِكَ وَ أَوْصِيَاءَ أَنْبِيَائِكَ بِجَمِيعِ لَعْنَاتِكَ، وَ أَصْلِهِمْ حَرَّ نَارِكَ، وَ الْعَنْ مَنْ غَضَبَ وَ لَيْتَكَ حَقَّهُ، وَ أَنْكَرَ عَهْدَهُ، وَ جَحَدَهُ بَعْدَ الْيَقِينِ، وَ الْإِقْرَارِ بِالْوَلَايَةِ لَهُ يَوْمَ أَكْمَلْتَ لَهُ الدِّينَ.

اللَّهُمَّ الْعَنْ قَتْلَهُ أَمِيرِ الْمُؤْمِنِينَ وَ مَنْ قَتَلْتَهُ، وَ أَشْيَاعَهُمْ وَ أَنْصَارَهُمْ، اللَّهُمَّ الْعَنْ ظَالِمِي الْحَسِيِّينَ وَ قَاتِلِيهِ وَ الْمُتَابِعِينَ عِدْوَهُ وَ نَاصِرِيهِ، وَ الرَّاضِينَ بِقَتْلِهِ وَ حَاذِلِيهِ، لَعْنًا وَبِيَلًا.

اللَّهُمَّ الْعَنْ أَوْلَ ظَالِمِ ظَلَمَ آلَ مُحَمَّدٍ وَ مَبَانِعِيهِمْ حُقُوقَهُمْ، اللَّهُمَّ خُصَّ أَوْلَ ظَالِمٍ وَ عَاصِبِ لآلِ مُحَمَّدٍ بِاللَّعْنِ وَ كُلِّ مُشْتَبِّهِ بِمَا سَنَّ إِلَى يَوْمِ الدِّينِ.

اللَّهُمَّ صَلِّ عَلَى مُحَمَّدٍ خَاتَمِ النَّبِيِّينَ وَ سَيِّدِ الْمُرْسَلِينَ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ، وَ اجْعَلْنَا بِهِمْ مُتَمَسِّكِينَ، وَ بِمُؤَالَاتِهِمْ مِنَ الْفَائِزِينَ الْأَمِينِينَ، الَّذِينَ لَا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا يَحْزَنُونَ، إِنَّكَ حَمِيدٌ مَجِيدٌ. (۵)

ترجمه متن زیارت غدیره

ترجمه ی متن زیارت:

مجلسی رحمه الله از شیخ مفید نقل می کند که گفت:

امام حسن عسکری علیه السلام این زیارت را از پدر بزرگوارش امام هادی علیه السلام نقل می کند، و می فرماید: در روز غدیر سالی که معتصم او را احضار کرد، با این زیارت، امیرمؤمنان علیه السلام را زیارت فرمود.

پس چون خواستی زیارت کنی، بر آستانه ی حرم بایست، و اذن ورود بخواه، و با پای راست داخل شو، و برو تا روبروی ضریح و پشت به قبله بایستی، و بگو:

سلام بر محمد پیامبر خدا خاتم پیامبران، و سرور رسولان، و برگزیده ی پروردگار عالمیان، امین خدا بر وحیش، و واجبات امورش، و پایان بخش آنچه پیش بود، و گشاینده ی آنچه می آید، و چیره و مسلط بر همه ی آنها، و رحمت و برکات و صلوات و تحیات خدا [بر او باد]، سلام بر پیامبران و رسولان خدا، و بر فرشتگان مقرب، و بندگان صالح او.

سلام بر تو ای امیرمؤمنان! و سرور اوصیا، و وارث علم پیامبران، و ولی پروردگار عالمیان، و مولای من، و مولای همه ی مؤمنان! و رحمت و برکات خدا [بر تو باد].

سلام بر تو ای مولای من! ای امیرمؤمنان! ای امین خدا در زمین، و سفیر خدا در میان مردم، و حجت بالغه ی خدا بر بندگانش! سلام بر تو ای آئین استوار، و صراط مستقیم خدا! سلام بر تو ای خیر بزرگی که در آن [مردم] با هم اختلاف دارند، و از او می پرسند! سلام بر تو ای امیرمؤمنان! تو به خدا ایمان آوردی در حالی که آنان مشرک بودند، و حق را تصدیق کردی در حالی که آنان تکذیب کردند، و جهاد کردی در حالی که آنان از ترس پشت کردند، و خدا را با اخلاص دینت برای او، و بردارانه و برای رضای او عبادت کردی تا یقین برایت رسید، هان که لعنت خدا بر ستمگران باد.

سلام بر تو ای آقای مسلمانان، و پیشوای مؤمنان، و امام پارسایان، و رهبر روسفیدان! و رحمت و برکات خدا [بر تو باد].

شهادت می دهم که تو برادر، و وصی رسول خدا، و وارث علم او، و امین او بر شریعتش، و خلیفه ی او در امتش هستی، و اولین کسی هستی که به خدا ایمان آورد، و آنچه را بر پیامبرش فرستاد تصدیق کرد، و شهادت می دهم که پیامبر، از جانب خدا آنچه را

درباره‌ی تو نازل کرد رساند، و امر خدا را آشکارا اعلام کرد، و طاعت و ولایت تو را بر امت خود واجب کرد، و از ایشان برای تو پیمان گرفت، و تو را نسبت به مؤمنان، از خودشان سزاوارتر قرار داد، چنان که خدا خود او را نسبت به مؤمنان سزاوارتر قرار داده بود، سپس خدای سبحان را بر ایشان گواه گرفت، و فرمود: آیا پیام خدا را نرساندم؟ گفتند: خدایا! چرا [رساندی].

و گفت: خدایا! گواه باش، و تو برای گواهی، و داوری میان بندگان بس هستی، پس خدا لعنت کند آنانی را که پس از اقرار به ولایت، آن را انکار کردند، و پس از پیمان با تو، آن را شکستند، و شهادت می‌دهم که تو به پیمان با خدای سبحان وفا کردی، و خدای سبحان نیز به پیمان با تو وفا کرد، «و هر که بر آنچه با خدا عهد بسته وفادار بماند، به زودی خدا پاداشی بزرگ به او می‌بخشد»، و شهادت می‌دهم که تو آن امیرمؤمنان به حقی که قرآن، به ولایت تصریح دارد، و پیامبر برای آن، از امتش پیمان گرفته است.

و شهادت می‌دهم که تو، عمو، و برادرت، کسانی هستید که با خدا، با جان خود معامله کردید، و خدا در شأن شما نازل کرد: «حقا که خدا از مؤمنان، جان و مالشان را به بهای بهشت خریده است، همان کسانی که در راه خدا می‌جنگند، و می‌کشند و کشته می‌شوند، این به عنوان وعده‌ی حقی در تورات و انجیل و قرآن بر عهده‌ی اوست، و چه کسی از خدا بر عهد خویش وفادارتر است؟ پس به این معامله‌ای که با او کرده‌اید شادمان باشید، و این همان کامیابی بزرگ است، [آن مؤمنان،] همان توبه کنندگان، عبادت کنندگان، سپاسگزاران، روزه داران، رکوع کنندگان، سجده کنندگان، وادارندگان به کارهای پسندیده، بازدارندگان از کارهای ناپسند، و پاسداران مقررات خدایند، و مؤمنان را بشارت ده».

شهادت می‌دهم - ای امیرمؤمنان - که شک کننده‌ی درباره‌ی تو، به پیامبر امین، ایمان نیاورد، و روگردان از تو به غیر تو، از دین استوار خدا - که پروردگار عالمیان برای ما پسندید، و در غدیر با ولایت تو کامل کرد - جدا گشت، و شهادت می‌دهم که تویی مقصود از فرموده‌ی خدای عزیز رحیم که [فرمود]: «و این است راه راست من، پس، از آن پیروی کنید، و از راههای دیگر که شما را از راه وی پراکنده می‌سازد پیروی مکنید»،

سوگند به خدا! گمراه شده، و گمراه کرد هر که جز تو را پیروی کرد، و از حق جدا شد هر که با تو دشمنی کرد.

خدایا! فرمان تو را شنیدیم و اطاعت کردیم، و از راه راست تو پیروی نمودیم، پس ما را هدایت فرما.

پروردگارا! پس از آن که ما را به طاعت هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و ما را از سپاسگزاران نعمت‌هایت قرار ده.

و شهادت می‌دهم که تو پیوسته، مخالف هوای نفس، هم پیمان [و ملازم] تقوی، توانای بر فرو بردن خشم، و بخشنده و خطاپوش مردم بوده‌ای، و چون خدا را معصیت کردند خشم گرفتی، و چون اطاعتش کردند خرسند شدی، و به آنچه با تو قرار بستند عمل کردی، و به آنچه از تو حفظش را خواستند نگهدار بودی، و آنچه را در نزدت به امانت سپردند ننگهبانی کردی، و تکلیفی را که بر دوشت نهادند، [به مقصد] رساندی، و وعده‌ای را که به تو دادند انتظار کشیدی.

و شهادت می‌دهم که تقوای تو از روی ذلت و ناتوانی نبود [، بلکه برای اطاعت خدا بود]، و خودداری از ستاندن حقت، از روی بی‌قراری [در برابر ناگواری‌ها] نبود، و دست کشیدن از درگیری با عاصی [و نافرمان]ات، از روی ترس نبود، و در برابر آنچه خدا نمی‌پسندد، از روی سازشکاری، ابراز رضایت نکردی، و برای آن مصائبی که در راه خدا به تو رسید، سست نشدی، و از روی انتظار [و توقع منافع دنیوی]، از طلب حق خود، ناتوان و زبون نشدی، پناه بر خدا که چنین باشی! بلکه چون ظلم دیدی، به حساب پروردگارت گذاشتی، و کار خود را به او سپردی، و به آنان یادآوری کردی، و نپذیرفتند، و اندرز دادی، و پند نگرفتند، و از خدا ترسیدند، و نترسیدند.

و شهادت می‌دهم که تو - ای امیرمؤمنان! - خالصانه خدا را پرستش کردی، و بردبارانه در راه او به جهاد پرداختی و برای رضای او

جان خود را به خطر انداختی، و به کتاب خدا و سنت پیامبرش عمل کردی، و نماز را بپا داشتی، و زکات را پرداختی، و تا توانستی به کارهای پسندیده واداشتی، و از کارهای ناپسند بازداشتی، این در حالی بود که مقام عندالله را خواستار، و به وعده‌های خدا مشتاق بودی، به پیشامدهای ناگوار روزگار اهمیت نمی‌دادی، و در سختی‌ها سست نمی‌شدی، و از [تعقیب و کیفر] محارب، دست نمی‌کشیدی، دروغ گفت آن که غیر این‌ها را به تو نسبت داد، و افترای باطل بر تو بست، و وای بر آن که از تو جدا شد و به راه دیگری رفت، حقا که تو حق جهاد در راه خدا را انجام دادی، و برای خدا در برابر آزارها صبر کردی، و تو نخستین کسی هستی که به خدا ایمان آورد، و برایش نماز گزارد، و جهاد کرد، و در دیار شرک، سینه سپر کرد، در حالی که زمین لبریز از گمراهی بود، و شیطان، آشکارا پرستش می‌شد. و تویی که می‌گفتی: فراوانی جمعیت اطرافم، بر عزتم نمی‌افزاید، و بیم و هراس، ایشان را از من جدا نمی‌سازد، و اگر همه‌ی مردم دست از من بردارند، زبونی و زاری نخواهم کرد، [آری] خدا را داشتی و عزیز شدی، و آخرت را بر دنیا برگزیدی و [از علائق] رهیدی، و خدا تو را تأیید، و هدایت، و خالص کرد، و برگزید، از این رو کارهایت، متناقض، و سخنان، ناهمگون، و احوالت دگرگون نبود، و ادعای دروغ نکردی، و دروغ بر خدا نبستی، و به دنیای فانی آزمند نشدی، و دامن به گناهان نیالودی، و پیوسته با [برهان و آیت و] حجتی از پروردگارت، و یقین در کارت، به حق، و راه راست هدایت کردی.

از روی حق شهادت می‌دهم، و صادقانه به خدا سوگند یاد می‌کنم که محمد و آلش - که صلوات خدا بر ایشان باد - سروران همه‌ی خلق‌اند، و تو مولای من، و مولای مؤمنانی، و تو بنده و ولی خدا، و برادر و وصیی و وارث رسول خدایی، و پیامبر در حق تو فرمود: سوگند به خدایی که مرا به حق برانگیخت، هر که به تو کفر ورزد به من ایمان نیاورده، و هر که تو را انکار کند، به خدا اقرار نکرده، و هر که از تو باز دارد، گمراه شده، و هر که به تو ره نیابد، به خدا، و به من ره نیافته است، و این است فرموده‌ی خدای سبحان که: «و من هر که را توبه کند، و ایمان آورد، و عمل صالح انجام دهد، سپس [- به ولایت تو -] ره یابد، می‌آمزم».

مولای من! برتری تو پنهان نمی‌ماند، و نور تو خاموش نمی‌شود، و هر که تو را انکار کند، بسیار ستم پیشه و بدبخت است. مولای من! تو بر بندگان خدا حجتی، و به راه رشد و کمال، هدایتگری، و برای معاد ذخیره‌ای. مولای من! خدا در دنیا، رفعت منزلت، و در آخرت، علو درجه عطایت فرمود، و آنچه را که بر مخالفان، و بر جدایی افکنان میان تو و مواهب خداوندیت پنهان ماند، بر تو نمایاند، خدا حرمت شکنان و باز دارندگان حقت را لعنت کند.

و شهادت می‌دهم که ایشان آن زیانکارترینند که آتش چهره‌ی آن‌ها را می‌سوزاند در حالی که در آنجا ترشرویند.

و شهادت می‌دهم که تو به انجام هیچ کاری شتاب نگرفتی، و باز نایستادی، و هیچ سخنی را نگفتی و دست از آن نکشیدی مگر آن که به فرمان خدا و پیامبرش بود، فرمودی: سوگند به خدایی که جانم در دست اوست! رسول خدا صلی الله علیه و آله به من نگریست که پیشاپیش همه شمشیر می‌زنم [یا از دیرباز برای اسلام شمشیر می‌زنم]، فرمود: علی جان! منزلت تو نسبت به من همچون هارون نسبت به موسی است جز اینکه پس از من، پیامبری نیست.

و به تو اعلام فرمود که: مرگ و زندگی تو با من، و بر سنت من است. [و فرمودی:] سوگند به خدا! دروغ نمی‌گویم و به من دروغ نگفته‌اند، گمراه نشدم و گمراهم نکرده‌اند، و پیمان خدا با خود را فراموش نکرده‌ام، من از خدای خود حجتی دارم که آن را برای پیامبرش بیان کرد، و پیامبر نیز برای من بیان کرد، و من بر راه روشنم، که به حق این را می‌گویم.

سوگند به خدا راست فرمودی، و حق گفتی، خدا لعنت کند کسی را که تو را با دشمنت یکسان شمرد، در حالی که خدای سبحان می‌فرماید: «آیا آنان که می‌دانند با آنان که نمی‌دانند برابرند؟ خدا لعنت کند کسی را که تو را همسنگ کسی قرار داد که خدا ولایت تو را بر او واجب فرمود، تو ولی خدا، و برادر رسول خدا، و حامی دین خدا، و کسی هستی که قرآن در فضیلتش سخن می‌گوید، خدای سبحان فرمود: «خدا مجاهدان را بر خانه نشینان، با پاداشی بزرگ برتری بخشیده است، [پاداش بزرگی که] به عنوان درجات [مهمی] از ناحیه خداوند، و آمرزش و رحمت [نصیب آنان می‌شود]، و خدا آمرزنده‌ی مهربان است»، و نیز فرمود:

«آیا سیراب ساختن حاجیان و آباد کردن مسجدالحرام را همانند [کار] کسی پنداشته‌اید که به خدا و روز بازپسین ایمان آورده و در راه خدا جهاد می‌کند؟ [این دو] نزد خدا یکسان نیستند، و خدا مردم ستمگر را هدایت نخواهد کرد، کسانی که ایمان آورده و هجرت کرده و در راه خدا با مال و جانشان به جهاد پرداخته‌اند نزد خدا مقامی هر چه والاتر دارند و اینان همان رستگارانند، پروردگارشان آنان را از جانب خود به رحمت و خشنودی و باغ‌هایی [در بهشت] که در آن‌ها نعمت‌هایی پایدار دارند، مژده می‌دهد، جاودانه در آن‌ها خواهند بود، حقا که نزد خدا پاداشی بزرگ است».

شهادت می‌دهم که تو مدح ویژه‌ی خدا داری، خالصانه خدا را اطاعت کردی، هیچ جایگزینی را در برابر هدایتش نخواستی، و هیچ کسی را در عبادت پروردگارت، شریک نساختی، و خدا دعای پیامبرش را دربارهی تو اجابت کرد، سپس فرمانش داد تا ولایتی را که به تو داد برای امتش آشکار نماید، تا تو را عالی مقام، و حجت را آشکار، و اباطیل [پوچ گویان] را نابود، و بهانه‌ها را قطع کند، پس چون از فتنه‌ی فاسقان، بیمناک شد، و برای تو از [کید] منافقان ترسید، پروردگار عالمیان به او وحی فرمود: «ای پیامبر! آنچه از جانب پروردگارت به سوی تو نازل شده، ابلاغ کن، و اگر نکنی پیامش را نرسانده‌ای، و خدا تو را از [گزند] مردم نگاه می‌دارد»، پس بارهای گران این راه [مخوف] را بر [دوش] خود نهاد، و در گرمای سخت هنگام ظهر [دشت غدیر] برخاست، و خطبه خواند و [همه را] شنواند، و ندا کرد و [پیام تو را به همه] رساند، سپس از همه پرسید: آیا [پیام خدا را] رساندم؟ گفتند: خدا گواه است آری. و پیامبر گفت: خدایا! شاهد باش.

سپس فرمود: آیا من از خود مؤمنان، به ایشان سزاوارتر نیستم؟ گفتند: آری. پس دست تو را گرفت و فرمود: هر که را من مولایم، این علی مولای اوست، خدایا! هر که با او دوستی کند دوستش باش، و هر که با او دشمنی کند دشمنش باش، و هر که او را یاری کند یاریش کن، و هر که او را رها کند رهایش کن.

پس به آنچه خدا دربارهی تو به پیامبرش نازل کرد، جز عده‌ی کمی ایمان نیاوردند، و بیشتر ایشان را جز زیان نیفزود، و با اینکه آنان خوش نداشتند، قبلا- نیز خدای سبحان در شأن تو نازل فرمود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید، هر کس از شما از دین خود برگردد، به زودی خدا گروهی [دیگر] را می‌آورد که آنان را دوست می‌دارد، و آنان نیز او را دوست می‌دارند، اینان با مؤمنان، فروتن، [و] بر کافران، سرافرازند، در راه خدا جهاد می‌کنند، و از سرزنش هیچ ملامتگری نمی‌هراسند، این فضل خداست و آن را به هر که بخواهد می‌دهد، و خدا گشایشگر داناست، ولی شما، تنها خدا و پیامبر اوست و کسانی که ایمان آورده‌اند: همان کسانی که نماز برپا می‌دارند، و در حال رکوع زکات می‌دهند، و هر کس خدا و پیامبر او و کسانی را که ایمان آورده‌اند ولی خود بدانند [پیروز است، چرا که] حزب خدا همان پیروزمنداند».

«پروردگارا! به آنچه نازل کردی ایمان آوردیم، و پیامبرت را پیروی کردیم، پس ما را از زمره‌ی شاهدان بنویس» و «پروردگارا! پس از آن که ما را هدایت کردی، دل‌هایمان را دستخوش انحراف مگردان، و از جانب خود، رحمتی بر ما ارزانی دار که تو خود بخشایشگری».

خدایا! ما می‌دانیم که این، همان حق از جانب توست، پس هر که را با آن بستیزد، و کبر ورزد، و تکذیب و ناسپاسی کند، لعنت کن، «و آنان که ستم کرده‌اند به زودی خواهند دانست به کدام بازگشتگاه خواهند گشت».

سلام بر تو ای امیرمؤمنان! و سرور اوصیاء! و اول عابدان! و زاهدترین زاهدان! و رحمت و برکات و صلوات و تحیات خدا [بر تو باد].

تویی که برای رضای خدا، طعام را - با اینکه مورد [نیاز و] علاقه‌ات بود - به مسکین و یتیم و اسیر خوراندی، و از ایشان هیچ پاداش و سپاسی را نخواستی، و خدا در شأن تو نازل فرمود: «آن‌ها را بر خودشان مقدم می‌دارند، هر چند در خودشان احتیاجی مبرم باشد، و هر کس از خست نفس خود مصون ماند، ایشانند که رستگارانند».

و تو فروبرنده‌ی خشم، و بخشنده‌ی مردمی، و خدا نیکوکاران را دوست می‌دارد، و تو در سختی و زیان، و به هنگام جنگ بردباری، و تو [اموال خدا را] برابر تقسیم می‌کنی، و در میان مردم، عادلانه رفتار می‌کنی، و از همه‌ی مردم به حدود [و قوانین] خدا داناتری، و خدای سبحان از فضیلتی که به تو بخشیده با این فرموده‌ی خود خبر داده است که: «آیا کسی که مؤمن است چون کسی است که نافرمان است؟ یکسان نیستند، اما کسانی که ایمان آورده و کارهای شایسته کرده‌اند، به [پاداش] آنچه انجام می‌دادند در باغ‌هایی که در آن جایگزین می‌شوند، پذیرایی می‌گردند».

و تنها تو بودی که علوم قرآن، و احکام تأویل آن، و نص پیامبر را [در منزلت خود] داشتی، و مواقف مشهود، و مقامات مشهور، و روزهای یاد شده [ی در قرآن] از آن توست [، همچون] روز بدر، و روز احزاب: «آنگاه که چشم‌ها خیره شد، و جان‌ها به گلوگاه‌ها رسید، و به خدا گمان‌هایی [نابجا] می‌بردید، آنجا بود که مؤمنان در آزمایش قرار گرفتند، و سخت تکان خوردند، و هنگامی که منافقان و کسانی که در دل‌هایشان بیماری است می‌گفتند: خدا و پیامبرش جز فریب به ما وعده‌ای ندادند، و چون گروهی از آنان گفتند: ای مردم مدینه! دیگر شما را جای درنگ نیست، برگردید، و گروهی از آنان از پیامبر اجازه می‌خواستند و می‌گفتند: خانه‌های ما بی‌حفاظ است، ولی خانه‌هایشان بی‌حفاظ نبود، آنان جز گریز از جهاد چیزی نمی‌خواستند».

و خدای سبحان فرمود: و چون مؤمنان دسته‌های دشمن را دیدند، گفتند: این همان است که خدا و پیامبرش به ما وعده دادند، و خدا و پیامبرش راست گفتند، و جز بر ایمان و فرمانبری ایشان نیفزود».

پس عمرو [بن عبدود] را کشتی، و جمعشان را شکست دادی: «و خداوند آنان را که کفر ورزیدند، بی آن که به [مال و] خیری رسیده باشند، با غیظ [و حسرت] برگرداند، و خدا زحمت جنگ را از مؤمنان برداشت، و خداوند همواره نیرومند شکست ناپذیر است».

و [همچون] روز احد: هنگامی که [یاران پیامبر] در حال گریز، [از کوه] بالا می‌رفتند، و به هیچ کس توجه نمی‌کردند، و پیامبر، ایشان را از پشت سرشان فرامی‌خواند، و تو از جانب راست و چپ، انبوه [۱] مشرکان را از پیامبر دور می‌کردی، تا خدا [شر] ایشان را - در حالی که [از دلاوری تو] به هراس افتاده بودند - از پیامبر و تو برگرداند، و به وسیله‌ی تو آنان را که پیامبر را تنها گذارده بودند نیز یاری کرد.

و [همچون] روز حنین: که طبق فرموده‌ی قرآن: «آن هنگام که شمار زیادتان شما را به شگفت آورده بود، ولی به هیچ وجه از شما دفع خطر نکرد، و زمین با همه‌ی فراخی بر شما تنگ گردید، سپس در حالی که پشت به دشمن کرده بودید برگشتید، سپس خدا آرامش خود را بر پیامبر خود، و بر مؤمنان فرود آورد».

و [مقصود از] مؤمنان، تو و نزدیکان تو است، و عمویت عباس شکست خوردگان را ندا می‌کرد: ای اصحاب سوره‌ی بقره! ای اهل بیعت شجره! [برگردید]، تا اینکه مردمی برگشتند که تو زحمت جنگ را از آنان برداشته بودی، و بدون ایشان یاری دین خدا را در اختیار گرفته بودی، آری [آن شکست خوردگان و فراریان]، ناامید از پاداش الهی،

و امیدوار به وعده‌ی توبه [پذیری] خدای سبحان برگشتند، و این همان فرموده‌ی خدای سبحان است که: «سپس خدا بعد از این واقعه، توبه‌ی هر که را بخواهد می‌پذیرد»، در حالی که تو [با پایداری و دلاوری خود]، به مقام [بلند] صابران دست یافته، و پاداش بزرگی را به دست آورده بودی.

و [همچون] روز خیبر: روزی که خدا ناتوانی منافقان را آشکار، و ریشه‌ی کافران را برکند، و ستایش برای خداوند، پروردگار جهانیان است: «با آن که قبلاً با خدا سخت پیمان بسته بودند که پشت به دشمن نکنند، و پیمان خدا همواره بازخواست دارد».

مولای من! تو حجت بالغه، و راه روشن، و نعمت سرشار، و برهان فروزان خداوندی، گوارایت باد این فضیلتی که خدایت بخشیده، و نابود باد دشمن نادان تو، تو در تمام جنگ‌ها و غزوات پیامبر صلی الله علیه و آله حضور داشتی، پیشاپیش پیامبر پرچم [اسلام] را

به دوش می‌گرفتی، و در جلو روی او شمشیر می‌زدی، سپس به خاطر دوراندیشی پرآوازه، و بصیرت [و مهارت] تو در کارها، همه جا تو را امیر می‌کرد، و کسی بر تو امیر نبود، چه بسا کاری که [می‌توانستی انجام دهی، و] تقوای تو، از آن بازت داشت، ولی دیگری از هوای نفس خود پیروی کرد و آن را انجام داد، و نادانان پنداشتند که تو از آن عاجز بوده‌ای، سوگند به خدا! آن که اینگونه پندارد گمراه و ره نیافته است، و تو خود - که صلوات خدا بر تو باد - همه‌ی شبهات متوهمان و شک‌کنندگان را با این گفتار خود توضیح داده‌ای که: بصیر و کار آزموده، [ی راه خدا] راه چاره [و سیاست در این امور] را می‌داند، ولی در پیش روی خود مانعی از تقوای الهی دارد، از اینرو آن راه چاره را با اینکه می‌داند رها می‌کند، و کسی که در دینداری بی‌باک [و لا ابالی] است، فرصت را غنیمت می‌شمرد [، و آن را مرتکب می‌شود].

راست فرمودی، و باطل گویان زیان دیدند.

و چون آن دو پیمان شکن [طلحه و زبیر]، مکرر ورزیدند، و گفتند: می‌خواهیم به عمره برویم، به ایشان فرمودی: قطعاً قصد عمره ندارید، بلکه قصد پیمان شکنی دارید پس بیعت از ایشان گرفتی، و باز پیمانشان بستنی، و آنان در نفاق خود کوشیدند، و چون بر کار ناشایستشان، توجه دادی، غفلت ورزیدند، و [به کار ناشایست خود] برگشتند، و سود نبردند، و سرانجام کارشان زیان شد. پس از ایشان، شامیان شورش کردند، و تو پس از اتمام حجت، به سوی [نبرد ایشان] به راه افتادی، آنان به دین حق پایبند نبودند، و در [آیات] قرآن تدبر نمی‌کردند، گول [۲] و فرومایه و گمراه بودند، و به خدایی که در شأن تو آیه بر محمد صلی الله علیه و آله نازل کرد، کافر، و مخالفان تو را یاور بودند، با اینکه خدای سبحان به پیروی تو فرمان داده بود، و مؤمنان را به یاری تو فرا خوانده بود، و فرموده بود: «ای کسانی که ایمان آورده‌اید تقوای خدا پیشه کنید، و با راستگویان باشید».

مولای من! حق را که مردم کنار گذاشتند تو آشکار کردی، و سنت‌های الهی را پس از فرسودگی و محو شدن، تو نمایان ساختی، طبق تصدیق قرآن، پیشتازی در جهاد [با کافران زمان پیامبر صلی الله علیه و آله]، از آن تو بود و طبق تأویل حقیقی قرآن فضیلت جهاد [با کافران پس از پیامبر صلی الله علیه و آله] برای تو بود، و دشمن تو، دشمن خدا، و منکر رسول خداست، که به باطل دعوت می‌کرد، و ظالمانه حکم می‌راند، و غاصبانه فرمانروایی می‌کرد، و دار و دسته‌ی خود را به آتش فرا می‌خواند، و عمار [در رکاب تو] جهاد می‌کرد، و در میان دو صف فریاد می‌زد: با آسودگی و شادمانی [پیش] به سوی بهشت! و چون آب خواست، و شیر به او دادند، تکبیر گفت، و گفت: رسول خدا صلی الله علیه و آله به من فرمود: آخرین نوشیدنی تو از دنیا آب آمیخته به شیر است، و گروه سرکش و ستمگر، تو را می‌کشند، پس ابوالعادیه فزاری [، از دار و دسته‌ی معاویه]، راه را بر او بست، و او را کشت، تا روز قیامت، لعنت خدا و فرشتگان و همه‌ی پیامبرانش، بر ابوالعادیه باد، و نیز بر هر مشرک و منافقی که شمشیر بر تو کشید، و تو بر او شمشیر کشیدی ای امیر مؤمنان!

و نیز بر هر که بر آنچه تو را می‌آزرد خرسند بود و چشم خود را فرو بست، و رد نکرد، یا با دست و زبان خود به زیان تو قدم برداشت، و از یاری تو باز ایستاد، و از جهاد در رکاب تو دست کشید، یا پاس فضل تو را نداشت، و حقت را [با اینکه می‌شناخت] انکار کرد، یا تو را با کسی برابر شمرد که خدا تو را نسبت به او شایسته‌تر از خود او قرار داد، و صلوات و رحمت و برکات و سلام و تحیات خدا بر تو، و بر امامان از خاندان پاکت باد، که او ستوده‌ی بزرگوار است.

و واقعه‌ی عجیب‌تر، و رخداد زشت‌تر پس از انکار آگاهانه‌ی حق تو، غصب فدک صدیقه‌ی طاهره، [فاطمه‌ی] زهرا، سرور بانوان عالم، و قبول نداشتن شهادت تو، و شهادت آن دو بزرگوار، و فرزندان تو و پیامبر صلی الله علیه و آله [، امام حسن علیه‌السلام، و امام حسین علیه‌السلام] است! با اینکه خدای سبحان، مقام شما را در امت، عالی، و منزلت شما را بالا، و فضل شما را آشکار فرمود، و بر همه‌ی عالمیان، شریف‌تان کرد، و پلیدی شرک را از شما زدود، و پاکی ویژه‌ای به شما بخشید، خدای سبحان می‌فرماید: «به راستی که انسان، سخت آزمند [و بی‌تاب] خلق شده است، چون صدمه‌ای به او رسد عجز و لابه کند، و چون خیری به او رسد بخل

ورزد، غیر از نمازگزاران»، و ای سرور اوصیاء! خدای سبحان، در میان همه‌ی مردم، تنها پیامبر مصطفی صلی الله علیه و آله، و تو را استثنا فرمود، پس چه سرگردان [و بازمانده] از حق است هر که به تو ستم کرد! سپس بخشی از سهم ذوی القربی را به تو می‌دهند تا [مردم را] بفریبند، یا آن را از اهلش باز می‌دارند تا ستم کنند.

و چون کار، در اختیار شما قرار گرفت، همان را که شده بود تنفیذشان کردی، زیرا به فدک و سهم ذوی القربی بی‌میل بودی، و به آنچه نزد خدا داشتی مشتاق، از اینرو آزمون تو با آنها، همچون آزمون پیامبران، در هنگام غربت و بی‌کسی، بود و در شب که بر بستر پیامبر صلی الله علیه و آله خوابیدی همچون اسماعیل ذبیح، بودی، که همچون او اجابت کردی، و همچون او بردبارانه و برای رضای خدا اطاعت کردی، ابراهیم به [فرزند خود] اسماعیل گفت: «من در خواب، چنین می‌بینم که تو را سر می‌برم، پس بین چه به نظرت می‌آید؟ گفت: پدر جان! آنچه را مأموری انجام ده، ان شاء الله مرا از شکیبایان خواهی یافت» و تو نیز چنین بودی، چون پیامبر صلی الله علیه و آله از تو خواست بیتوته کنی، و فرمود تا برایش جانبازی کنی و در بسترش بخوابی، بی‌درنگ اجابت کردی، و برای کشته شدن آماده شدی، خدای سبحان نیز فرمانبری تو را سپاس گفت، و از این فداکاری زیبای تو با فرموده‌ی خود پرده برداشت که: «و از میان مردم، کسی است که جان خود را برای به دست آوردن خشنودی خدا می‌فروشد».

و آزمون تو در نبرد صفین - که قرآن‌ها از روی حیل و مکر، بر نیزه‌ها رفت، و شک پدیدار گشت، و حق شناخته شد، و [باز] از گمان پیروی شد - همچون آزمون هارون بود، آن زمان که موسی او را بر قوم خود امیر کرد، و مردم از دور او پراکنده شدند، و هارون ایشان را ندا می‌کرد و می‌گفت: «ای قوم من! شما به وسیله‌ی این [گوساله] مورد آزمایش قرار گرفته‌اید، و پروردگار شما خدای رحمان است، پس مرا پیروی کنید، و فرمان مرا پذیرا باشید، گفتند، ما هرگز از پرستش آن دست بر نخواهیم داشت تا موسی به سوی ما باز گردد». و تو نیز چنین بودی، چون قرآن‌ها را بر نیزه‌ها کردند گفتی: ای قوم من! شما به وسیله‌ی این‌ها مورد آزمایش، و فریب قرار گرفته‌اید، ولی آنان سرپیچی کرده، با تو به مخالفت پرداختند، و از تو نصب حکمین خواستند، و تو نپذیرفتی، و از کار ایشان به خدا پناه بردی، و [سرانجام]، آن را به ایشان واگذار کردی، پس زمانی که حق، نمودار، و بطلان منکر، آشکار شد، و به لغزش‌ها، و انحراف از عدل، اعتراف کردند، باز اختلاف کردند، و تو را بر نادرستی [و نپذیرفتن] حکمیتی که تو نمی‌خواستی و ایشان می‌خواستند، و تو باز داشتی، و ایشان روا شمردند و مرتکب شدند، ملزم ساختند، با اینکه تو بر راه بصیرت و هدایت بودی، و ایشان بر راه‌های گمراهی و نادانی، آری پیوسته بر نفاق خود اصرار ورزیدند، و در گمراهی خود سرگردان بودند تا خدا کیفرشان را به ایشان چشانند، و با شمشیر تو معاندان بدبخت و فرومایه‌ی تو را می‌رانند، و با حجت تو [دوستان] سعادت‌مند و ره‌یافته [ی تو] را زنده کرد، صلوات خدا - بامداد و شامگاه، ایستاده و رونده - بر تو باد، که در وصف هیچ ستایشگری نگنجی، و نکوهش نکوهشگران، فضیلتت را از میان نبرد، تو در عبادت، بهترین مردم، و در زهد، خالص‌ترین آنان، و در دفاع از دین، پایدارترین ایشان بودی، با تلاش خود حدود خدا را پیا داشتی، و با شمشیر خود، سپاه بیرون شدگان از دین را به شکست و گریز کشاندی، [آری] با سرانگشتان [مردانه‌ی] خود، زبانه‌های سوزان جنگ‌ها را خاموش می‌کردی، و با بیان [شیوا و مستدل] خود، پرده‌های شک و ابهام را می‌دریدی، حق ناب را از باطل فریبا آشکار می‌ساختی، و ملامت ملامتگران، از راه خدا بازت نمی‌داشت. و مدح خدای سبحان، تو را از مدح مادحان، و ستایش ستایشگران بی‌نیاز می‌کند که فرمود: «از میان مؤمنان مردانی اند که به آنچه با خدا عهد بستند صادقانه وفا کردند، برخی از آنان به شهادت رسیدند، و برخی از آنها در [همین] انتظارند، و [هرگز عقیده‌ی توحیدی خود را] تبدیل نکردند».

و چون دیدی که با ناکثان و قاسطان و مارقان جنگیدی، و وعده‌ی رسول خدا صلی الله علیه و آله عملی شد، و به پیمان خود وفا کردی، گفتی: آیا وقت آن نرسیده که محاسنم از خون سرم خضاب شود؟ یا چه زمانی شقی‌ترینشان برانگیخته می‌شود؟ [این را در حالی گفتی که] مطمئن بودی از جانب پروردگارت حجت داری، و در کار خود با بصیرتی، نزد خدا می‌روی، و از معامله‌ای که با

خدا کرده‌ای شادمانی، و این است آن رستگاری بزرگ.

خدایا! قاتلان پیامبران و اوصیای پیامبران را با همه‌ی لعن‌های لعن کن، و حرارت آتش را به ایشان بچشان، و کسی را که حق ولایت را غصب، و خلافت او را رد، و پس از یقین و اقرار به ولایتش در غدیر، انکارش کرد لعنت کن.

خدایا! قاتلان امیرمؤمنان، و ستمگران به او، و پیروان و یارانشان را لعنت کن.

خدایا! ظلم کنندگان به [امام] حسین علیه‌السلام، و قاتلان او را، و پیروان و یاوران دشمنش را، و خرسندان به قتل، و تنها گذارندگانش را به لعنتی سخت گرفتار ساز.

خدایا! اولین ظالمی را که به آل محمد صلی الله علیه و آله ظلم کرد، و ایشان را از حقشان بازداشت لعنت کن.

خدایا! اولین ظالم و غاصب به آل محمد صلی الله علیه و آله را، و نیز هر که را که به روش او عمل کرد، تا قیام قیامت به لعن ویژه‌ی خود گرفتار ساز.

خدایا! بر محمد و آل محمد، خاتم پیامبران، و بر سرور اوصیاء و خاندان پاکش درود فرست، و ما را از چنگ زندگان به [دامن] ایشان، و با ولایت ایشان، از رستگاران در امانی قرار ده که هیچ خوف و حزنی ندارند.

زیارت غدیریه دیگر

زیارت غدیریه دیگر از لسان امام هادی علیه‌السلام:

عَدَّةٌ مِنْ أَصْحَابِنَا عَنْ سَيْهَلِ بْنِ زِيَادٍ عَنْ مُحَمَّدِ بْنِ أُورَمَةَ عَمَّنْ حَدَّثَهُ عَنِ الصَّادِقِ أَبِي الْحَسَنِ الثَّلَاثِ ع قَالَ يَقُولُ السَّلَامُ عَلَيْكَ يَا وَلِيَّ اللَّهِ أَنْتَ أَوْلُ مَظْلُومٍ وَأَوْلُ مَنْ غُصِبَ حَقُّهُ صَبْرَتٌ وَ اخْتِسَابَةٌ حَتَّى أَتَاكَ الْيَقِينُ فَاشْهَدْ أَنَّكَ لَقَيْتَ اللَّهَ وَأَنْتَ شَهِيدٌ عَذَبَ اللَّهُ قَاتِلَكَ بِأَنْوَاعِ الْعَذَابِ وَ جَدَّدَ عَلَيْهِ الْعَذَابَ جُنُوحَكَ عَارِفًا بِحَقِّكَ مُسْتَبِصِرًا بِشَأْنِكَ مُعَادِيًا لِأَعْدَائِكَ وَ مَنْ ظَلَمَكَ أَلْقَى عَلَى ذَلِكَ رَبِّي إِنْ شَاءَ اللَّهُ يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ لِي ذُنُوبًا كَثِيرَةً فَاشْفَعْ لِي إِلَى رَبِّكَ فَإِنَّ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ مَقَامًا مَحْمُودًا مَعْلُومًا وَ إِنْ لَكَ عِنْدَ اللَّهِ جَاهًا وَ شَفَاعَةً وَ قَدْ قَالَ تَعَالَى - وَ لَا يَشْفَعُونَ إِلَّا لِمَنْ أَرْضَى).

ثم قال الكليني: روى محمد بن جعفر الرازي [الرزاز]، عن محمد بن عيسى بن عبيد، عن بعض أصحابنا، عن أبي الحسن الثالث عليه السلام مثله. (۶)

ترجمه متن زیارت دیگر

ترجمه متن زیارت دیگر غدیریه:

کلینی با سند خود از امام هادی علیه‌السلام نقل می‌کند که فرمود:

[در زیارت امیرمؤمنان علیه‌السلام] می‌گویی: سلام بر تو ای ولی خدا! تو اولین مظلوم، و اولین کسی هستی که حقش غصب شد، صبر کردی و به حساب خدا گذاشتی تا یقینت فرا رسد، و شهادت می‌دهم که تو در حالی که شهید بودی خدا را ملاقات کردی، خدا قاتل تو را به انواع کیفرها کیفر دهد، و عذابش را تجدید کند، به زیارت تو آمدم در حالی که به حق تو معرفت دارم، و از منزلت تو [نزد خدا] آگاهم، و با دشمنان و ستم کنندگان به تو دشمنم، به خواست خدا با همین حال خدا را ملاقات می‌کنم. ای ولی خدا! من گناهان بسیار دارم نزد پروردگارت شفیع باش، زیرا تو نزد خدا مقام محمود مشخصی داری، و نیز نزد او آبرو و شفاعت داری، و خدای سبحان می‌فرماید: «و جز برای کسی که او رضایت دهد شفاعت نمی‌کنند».

پاورقی بخش دوم

(۱) - زیارت غدیریه، ترجمه و تحقیق: محمد حسن شفیعی شاهرودی.

(۲) - نام گروهی از روایان اهل سنت این شان نزول چنین است: طبری؛ تفسیر طبری، ج ۶، ص ۱۶۵؛ واحدی؛ اسباب النزول، ص ۱۴۸؛ فخر رازی؛ تفسیر فخر رازی، ج ۳، ص ۴۳۱؛ ابن صباغ مالکی؛ الفصول المهمه، ص ۱۲۳؛ ابواسحاق ثعلبی؛ تفسیر ثعلبی، ج ۲، ص ۵۲؛ گنجی شافعی؛ الکفایه، ص ۱۰۶؛ خوارزمی؛ مناقب، ص ۱۷۸؛ ابن حجر؛ الصواعق، ص ۲۵.

(۳) - شرح المقاصد ج ۲، ص ۲۸۸.

(۴) - امام هادی علیه السلام و جلوه های غدیر، عباس کوثری

(۵) - المزار الکبیر (للمشهدی)، ص ۲۶۴ - ۲۸۲. مشهدی، حائری، محمد بن جعفر، المزار الکبیر (للمشهدی)، در یک جلد، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، قم - ایران، اول، ۱۴۱۹ ه ق.

(۶) - کافی / ج ۴ / ص ۵۶۹

بخش سوم: منشور امامت در زیارت جامعه کبیره امام هادی علیه السلام

اشاره

شناخت و معرفت به ائمه اطهار علیهم السلام، وظیفه هر فرد با ایمان و مقدمه‌ای بر تبعیت و قبول ولایت آنان است که در پی آن، اکمال دین و اتمام نعمت الهی را به همراه دارد.

چنین معرفتی مطمئناً شناخت ظاهری و شناسنامه‌ای نیست، بلکه شناختی عمیق از آن گرانمایه گان است. شناختی که به انسان درس دین‌داری و دین‌باوری می‌دهد و او را با معارف دین و خاستگاه‌های دینی آشنا می‌گرداند و چنین آشنایی با خاندان وحی، فقط با تدبر در آیات قرآن و احادیث به واسطه معرفی خودشان حاصل می‌گردد.

آنان خود باید خود را به ما معرفی نمایند تا ما خاکیان بر ماهیت آن افلاکیان، شناختی هر چند گذرا و اجمالی یابیم و سپس باید معارف دین را به ما بیچشانند تا به مطالب دینمان آگاه شویم.

زیارت جامعه کبیره، در حقیقت علاوه بر اعلام سلام و درود بر ائمه طاهرين عليهم السلام، شناختنامه آنان است که در قالب زیارت و دیدار ایشان، به تمجید و معرفی آن یگانگان در عالم امکان، پرداخته است.

زیارت‌هایی که از ائمه معصومین عليهم السلام به ما رسیده، گاهی زیارت خاص برای امام خاصی است (مانند زیارت اربعین و یا زیارت عاشورا) و گاه زیارت‌نامه‌ای است که می‌توان همه ائمه طاهرين عليهم السلام را با آن زیارت کرد و بر آنان درود فرستاد. زیارت جامعه کبیره از همین باب است و لذا این زیارت را جامعه می‌گویند، زیرا اولاً - تمامی ائمه عليهم السلام با آن زیارت می‌شوند و ثانیاً همه کمالات ائمه اطهار عليهم السلام، در این زیارت با بیانی فصیح و بلیغ از زبان امام هادی علیه السلام بیان شده است.

علامه محمدباقر مجلسی (ره) در کتاب گرانسنگ بحارالانوار، پس از نقل زیارت به شرح آن پرداخته و می‌گوید: «این زیارت از جهت سند صحیح‌ترین زیارت‌ها و از جهت عمومیت، عمومی‌ترین زیارت است، از جهت الفاظ فصیح‌ترین و بلیغ‌ترین زیارت‌ها و از نظر شأن و رتبه، از همه زیارات بالاتر می‌باشد.» (۱)

با چنین توصیفی که حدیث‌شناس زبردستی همچون علامه مجلسی (ره) از این زیارت می‌نماید، جای هیچ شبهه‌ای پیرامون صدور این زیارت از امام معصوم باقی نمی‌ماند.

این زیارت، خلاصه‌ای از تمام احادیث و روایاتی است که در شأن و مقام ائمه طاهرين عليهم السلام وارد شده است.

تشریف سید رشتی و زیارت جامعه کبیره

تشریف سید رشتی و زیارت جامعه کبیره

در مفاتیح الجنان آمده است که: شیخ ما در کتاب نجم الثاقب (محدث نوری) حکایتی نقل کرده که از آن ظاهر می‌شود که باید به این زیارت مواظبت کرد و از آن غفلت نمود و آن حکایت چنین است جناب مستطاب تقی صالح سید احمد بن سید هاشم بن سید حسن موسوی رشتی تاجر ساکن رشت آیده الله در هفده سال قبل تقریباً به نجف اشرف مشرف شد و با عالم ربانی و فاضل صمدانی شیخ علی رشتی طاب ثراه که در حکایت آینده مذکور خواهند شد این شاء الله به منزل حقیر آمدند و چون برخاستند شیخ از صلاح و سداد سید مرقوم اشاره کرد و فرمود که قضیه عجیبه دارد و در آن وقت مجال بیان نبود پس از چند روزی ملاقات شد فرمود که سید رفت و قضیه را با جمله از حالات سید نقل کرد بسیار تاسف خوردم از نشنیدن آنها از خود او اگر چه مقام شیخ رحمه الله اجل از آن بود که اندکی خلاف در نقل ایشان برود و از آن سال تا چند ماه قبل این مطلب در خاطر بود تا در ماه جمادی الآخره این سال از نجف اشرف برگشته بودم در کاظمین سید صالح مذکور را ملاقات کردم که از سامره مراجعت کرده عازم عجم بود پس شرح حال او را چنانکه شنیده بودم پرسیدم از آن جمله قضیه معهوده همه را نقل کرد مطابق آن و آن قضیه چنان است که گفت در سنه هزار و دویست و هشتاد به اراده حج بیت الله الحرام از دارالمرز رشت آمدم به تبریز و در خانه حاجی صفر علی تاجر تبریزی معروف منزل کردم چون قافله نبود متحیر ماندم تا آنکه حاجی جبار جلودار سدهی اصفهانی بار برداشت به جهت طرابوزن تنها از او مالی کرایه کردم و رفتم چون به منزل اول رسیدیم سه نفر دیگر به تحریص حاجی صفر علی به من ملحق شدند یکی حاجی ملا باقر تبریزی حجه فروش معروف علماء و حاجی سید حسین تاجر تبریزی و حاجی علی نامی که خدمت می‌کرد پس به اتفاق روانه شدیم تا رسیدیم به ارزنة الروم و از آنجا عازم طرابوزن و در یکی از منازل ما بین این دو شهر حاجی جبار جلودار به نزد ما آمد و گفت این منزل که در پیش داریم مخوف است قدری زود بار کنید که به همراه قافله باشید چون در سایر منازل غالباً از عقب قافله بفاصله می‌رفتیم پس ما هم تخمیناً دو ساعت و نیم یا سه به صبح مانده به اتفاق حرکت کردیم بقدر نیم یا سه ربع فرسخ از منزل خود دور شده بودیم که هوا تاریک شد و برف مشغول باریدن شد به طوری که رفقا هر کدام سر خود را پوشانیده تند راندند من نیز آنچه کردم که با آنها بروم ممکن نشد تا آنکه آنها رفتند من تنها ماندم پس از اسب پیاده شده در کنار راه نشستم و به غایت مضطرب بودم چون قریب ششصد تومان برای مخارج راه همراه داشتم بعد از تامل و تفکر بنا بر این گذاشتم که در همین موضع بمانم تا فجر طالع شود به آن منزل که از آنجا بیرون آمدیم مراجعت کنم و از آنجا چند نفر مستحفظ به همراه برداشته به قافله ملحق شوم در آن حال در مقابل خود باغی دیدم و در آن باغ باغبانی که در دست بیلی داشت که بر درختان می‌زد که برف از آنها بریزد پس پیش آمد به مقدار فاصله کمی ایستاد و فرمود تو کیستی عرض کردم رفقا رفتند و من ماندم راه را نمی‌دانم گم کرده‌ام فرمود به زبان فارسی نافله بخوان تا راه را پیدا کنی من مشغول نافله شدم بعد از فراغ از تهجد باز آمد و فرمود نرفتی گفتم و الله راه را نمی‌دانم فرمود جامعه بخوان من جامعه را حفظ نداشتم و تا کنون حفظ ندارم با آنکه مکرر به زیارت عتبات مشرف شدم پس از جای برخاستم و جامعه را بالتمام از حفظ خواندم باز نمایان شد فرمود نرفتی هستی مرا بی‌اختیار گریه گرفت گفتم هستم راه را نمی‌دانم فرمود عاشورا بخوان و عاشورا را نیز حفظ نداشتم و تا کنون ندارم پس برخاستم و مشغول زیارت عاشورا شدم از حفظ تا آنکه تمام لعن و سلام و دعای علقمه را خواندم دیدم باز آمد و فرمود نرفتی هستی گفتم نه هستم تا صبح فرمود من حال ترا به قافله می‌رسانم پس رفت و بر الاغی سوار شد و بیل خود را به دوش گرفت و فرمود به ردیف من بر الاغ سوار شو سوار شدم پس عنان اسب خود را کشیدم تمکین نکرد و حرکت نمود فرمود جلو اسب را به من ده دادم پس بیل را به دوش چپ گذاشت و عنان اسب را به دست راست گرفت و به راه افتاد اسب در نهایت تمکین متابعت کرد پس دست خود را بر زانوی من گذاشت و فرمود شما چرا نافله نمی‌خوانید نافله نافله نافله سه مرتبه فرمود و باز فرمود شما چرا عاشورا نمی‌خوانید عاشورا عاشورا سه مرتبه و

بعد فرمود شما چرا جامعه نمی‌خوانید جامعه جامعه و در وقت طی مسافت به نحو استداره سیر می‌نمود یکدفعه برگشت و فرمود آن است رفقای شما که در لب نهر آبی فرود آمده مشغول وضو به جهت نماز صبح بودند پس من از الاغ پایین آمدم که سوار اسب خود شوم و نتوانستم پس آن جناب پیاده شد و بیل را در برف فرو کرد و مرا سوار کرد و سر اسب را به سمت رفقا برگردانید من در آن حال به خیال افتادم که این شخص کی بود که به زبان فارسی حرف می‌زد و حال آنکه زبانی جز ترکی و مذهبی غالباً جز عیسوی در آن حدود نبود و چگونه به این سرعت مرا به رفقای خود رساند پس در عقب خود نظر کردم احدی را ندیدم و از او آثاری پیدا نکردم پس به رفقای خود ملحق شدم.

تشریف علامه مجلسی (ره) و زیارت جامعه کبیره

تشریف علامه مجلسی (ره) و زیارت جامعه کبیره

بهترین زیارتی که برای واسطه‌ای قرار دادن آن ذوات مقدس بسیار مفید و مؤثر است، زیارت جامعه است. نقل شده است که علامه مجلسی (پدر)، خدمت امام زمان (ارواحنا فداه) رسیدند و مداحگونه زیارت جامعه را خطاب به آن حضرت خواندند. حضرت ولی عصر (ارواحنا فداه) میفرمایند بیا جلو.

مرحوم مجلسی (ره) ضمن این که متأثر از ابهت آن حضرت بوده، جلو میرود و امام عصر (ارواحنا فداه) دست عنایتی روی شانه وی می‌گذارند و میفرمایند: «نعم الزیارة هذه»؛ یعنی این زیارت، خوب زیارتی است. آقای مجلسی میگوید: از جدتان امام هادی (سلام الله علیه) است؟ حضرت میفرمایند: بله.

در حقیقت این زیارت، زیارت بسیار زیبا و عجیبی است و توسل به ائمه سی طاهرین علیهم‌السلام در آن بسیار است. خصوصاً در آخر که میفرماید: «بِكُمْ فَتَبَّحَ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ، وَ بِكُمْ يُنَزَّلُ الْغَيْثُ، وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءُ أَنْ تَقَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضُّرُّ»؛ عبارات دقیق و پر محتوایی به کار گرفته شده است.

خطاب به ائمه سی طاهرین علیهم‌السلام میفرماید: عالم وجود وابسته به شما است. اگر زمین و آسمان پا برجاست به واسطه وجود شما است، اگر حاجتی از کسی برداشته میشود و یا مهمی از کسی رفع میشود، به برکت وجود شما بزرگواران است. این زیارت یکی از افتخارات شیعه است. انشاءالله که همه بتوانند تحت لوای ائمه هدی علیهم‌السلام به منزل سعادت راه پیدا کنند.

متن زیارت جامعه کبیره

متن زیارت جامعه کبیره

ایضا شیخ صدوق در فقیه و عیون روایت کرده از موسی بن عبد الله نخعی که گفت: عرض کردم به خدمت حضرت امام علی نقی علیه السلام که یا ابن رسول الله مرا تعلیم فرما زیارتی با بلاغت که کامل باشد که هرگاه خواستم زیارت کنم یکی از شما را آن را بخوانم فرمود که چون به درگاه رسیدی بایست و بگو شهادتین را یعنی بگو

أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ وَ أَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ عَبْدُهُ وَ رَسُولُهُ

و با حال غسل باشی و چون داخل حرم شوی و قبر را ببینی بایست و سی مرتبه

اللَّهُ أَكْبَرُ

بگو پس اندکی راه برو به آرام دل و آرام تن و گامها را نزدیک یکدیگر گذار پس بایست و سی مرتبه

اللَّهُ أَكْبَرُ

بگو پس نزدیک قبر مطهر رو و چهل مرتبه

اللَّهُ أَكْبَرُ

بگو تا صد تکبیر تمام شود و شاید چنانکه مجلسی اول گفته وجه تکبیر این باشد که اکثر طباع مایلند به غلو، مبادا از عبارات امثال این زیارت به غلو افتند یا از بزرگی حق سبحانه و تعالی غافل شوند یا غیر اینها پس بگو

السَّلَامُ عَلَيْكُمْ يَا أَهْلَ بَيْتِ النَّبُوَّةِ وَمَوْضِعِ الرَّسَالَةِ وَمُخْتَلَفِ الْمَلَائِكَةِ وَمَهْبِطِ الْوُحْيِ وَمَعِيدِنِ الرَّحْمَةِ وَخَزَانِ الْعِلْمِ وَمُنْتَهَى الْحِلْمِ وَأُصُولِ الْكُرَمِ وَقَادَةَ الْأُمَمِ وَأَوْلِيَاءِ النَّعْمِ وَعَنَاصِرِ الْأَبْرَارِ وَدَعَائِمِ الْأَخْيَارِ وَسَاسِيَةِ الْعِبَادِ وَأَرْكَانِ الْبِلَادِ وَأَبْوَابِ الْإِيمَانِ وَأَمْنَاءِ الرَّحْمَنِ وَسَيِّمَالَةَ النَّبِيِّينَ وَصِفْوَةَ الْمُؤْسَلِينَ وَعِزَّةَ خَيْرِ رَبِّ الْعَالَمِينَ وَرَحْمَةَ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى أَيْمَةِ الْهُدَى وَمَصَابِيحِ الدُّجَى وَأَعْلَامِ التَّقَى وَذَوَى النَّهْيِ وَأَوْلَى الْحِجَى وَكَهْفِ الْوَرَى وَوَرَثَةِ الْأَنْبِيَاءِ وَالْمَثَلِ الْمَأْعَى وَالِدَعْوَةِ الْحُسْنَى وَحُجَّجِ اللَّهِ عَلَى أَهْلِ الدُّنْيَا وَالْآخِرَةِ وَالْأَوْلَى وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى مَحَالِّ مَعْرِفَةِ اللَّهِ وَمَسَاكِينِ بَرَكَتِهِ اللَّهِ وَمَعَادِينِ حِكْمَتِهِ اللَّهِ وَحَفَظَةِ سِرِّ اللَّهِ وَحَمَلَةِ كِتَابِ اللَّهِ وَأَوْصِيَاءِ نَبِيِّ اللَّهِ وَذُرِّيَّةِ رَسُولِ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَآلِهِ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الدُّعَاةِ إِلَى اللَّهِ وَالْأَدِلَاءِ عَلَى مَرْضَاهِ اللَّهِ وَالْمُسْتَقْرِرِينَ [وَالْمُسْتَوْفِرِينَ] فِي أَمْرِ اللَّهِ وَالتَّامِينَ فِي مَحَبَّةِ اللَّهِ وَالْمُخْلِصِينَ فِي تَوْحِيدِ اللَّهِ وَالْمُظْهِرِينَ لِأَمْرِ اللَّهِ وَنَهْيِهِ وَعِبَادِهِ الْمُكْرَمِينَ الَّذِينَ لَا يَسْبِقُونَهُ بِالْقَوْلِ وَهُمْ بِأَمْرِهِ يَعْمَلُونَ وَرَحْمَةِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ السَّلَامُ عَلَى الْأَتَمَّةِ الدُّعَاةِ وَالْقَادَةِ الْهُدَاةِ وَالسَّادَةِ الْوُلَاةِ وَالذَّادَةَ الْحَمَاهُ وَأَهْلِ الذِّكْرِ وَأَوْلَى الْأَمْرِ وَبَقِيَّةِ اللَّهِ وَخَيْرِيَّةِ وَحُزْبِهِ وَعَيْيَةِ عِلْمِهِ وَحُجَّتِهِ وَصِرَاطِهِ وَنُورِهِ [وَبُزْهَانِهِ] وَرَحْمَتِهِ اللَّهِ وَبَرَكَاتِهِ أَشْهَدُ أَنْ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ * وَحْدَهُ لَا شَرِيكَ لَهُ كَمَا شَهِدَ اللَّهُ لِنَفْسِهِ وَشَهِدَتْ لَهُ مَلَائِكَتُهُ وَأُولُوا الْعِلْمِ مِنْ خَلْقِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا هُوَ الْعَزِيزُ الْحَكِيمُ * وَأَشْهَدُ أَنَّ مُحَمَّدًا عَبْدُهُ الْمُنْتَجِبُ وَرَسُولُهُ الْمُرْتَضَى أَرْسَلَهُ بِالْهُدَى وَدِينِ الْحَقِّ لِيُظْهِرَهُ عَلَى الدِّينِ كُلِّهِ وَلَوْ كَرِهَ الْمُشْرِكُونَ * وَأَشْهَدُ أَنَّكُمْ الْأَتَمَّةُ الرَّاشِدُونَ الْمُهَيِّدُونَ الْمَعْصُومُونَ الْمُكْرَمُونَ الْمُقَرَّبُونَ الْمُتَّقُونَ الصَّادِقُونَ الْمُصِطَفُونَ الْمُطِيعُونَ لِلَّهِ الْقَوَامُونَ بِأَمْرِهِ الْعَامِلُونَ بِإِرَادَتِهِ الْفَائِزُونَ بِكَرَامَتِهِ اضْيَافًا كَمِ بَعْلِمِهِ وَارْتِضَاكُمْ لِعَيْنِهِ وَاخْتَارَكُمْ لِسِرِّهِ وَاجْتَبَاكُمْ بِقُدْرَتِهِ وَأَعَزَّكُمْ بِهُدَاةِ وَخَصَّكُمْ بِبُزْهَانِهِ وَانْتَجَبَكُمْ لِنُورِهِ [بُنُورِهِ] وَأَيَّدَكُمْ بِرُوحِهِ وَرَضِيَكُمْ خُلَفَاءَ فِي أَرْضِهِ وَحُجَجًا عَلَى بَرِيَّتِهِ وَأَنْصَارًا لِدِينِهِ وَحَفَظَةً لِسِرِّهِ وَخَزَنَةً لِعِلْمِهِ وَمُسْتَوْدَعًا لِحِكْمَتِهِ وَتَرَاجِمَةً لَوْحِيهِ وَأَرْكَانًا لِتَوْحِيدِهِ وَشُهَدَاءَ عَلَى خَلْقِهِ وَأَعْلَامًا لِعِبَادِهِ وَمَنَارًا فِي بِلَادِهِ وَأَدِلَاءَ عَلَى صِرَاطِهِ عَصِيَمَكُمُ اللَّهُ مِنَ الزَّلِيلِ وَأَمْنَكُمُ مِنَ الْفِتَنِ وَطَهَّرَكُمُ مِنَ الدَّنَسِ وَأَذْهَبَ عَنْكُمُ الرِّجْسَ وَطَهَّرَكُمُ تَطْهِيرًا فَعَظَّمْتُمْ جَلَالَهُ وَأَكْبَرْتُمْ شَأْنَهُ وَمَجَّدْتُمْ كَرَمَهُ وَأَدْمَنْتُمْ [أَدْمَنْتُمْ] ذِكْرَهُ وَوَكَّدْتُمْ [ذَكَّرْتُمْ] مِيثَاقَهُ وَأَحْكَمْتُمْ عَقْدَ طَاعَتِهِ وَنَصَّيْحَتُمْ لَهُ فِي السِّرِّ وَالْعَلَانِيَةِ وَدَعَوْتُمْ إِلَى سَبِيلِهِ بِالْحِكْمَةِ وَالْمَوْعِظَةِ الْحَسَنَةِ وَبَدَلْتُمْ أَنْفُسَكُمْ فِي مَرْضَاتِهِ وَصَبَرْتُمْ عَلَى مَا أَصَابَكُمْ فِي جَنْبِهِ [حُبِّهِ] وَأَقَمْتُمْ الصَّلَاةَ * وَآتَيْتُمْ الزَّكَاةَ * وَأَمَرْتُمْ بِالْمَعْرُوفِ * وَنَهَيْتُمْ عَنِ الْمُنْكَرِ * وَجَاهَدْتُمْ فِي اللَّهِ حَقَّ جِهَادِهِ حَتَّى أَعْلَنْتُمْ دَعْوَتَهُ وَبَيَّنْتُمْ فَرَائِضَهُ وَأَقَمْتُمْ حُدُودَهُ وَنَشَرْتُمْ [وَفَسَّرْتُمْ] شَرَائِعَ أَحْكَامِهِ وَسَيَّسْتُمْ سِيَّتَهُ وَصَبَرْتُمْ فِي ذَلِكَ مِنْهُ إِلَى الرِّضَا وَسَلَّمْتُمْ لَهُ الْقَضَاءَ وَصَدَّقْتُمْ مِنْ رُسُلِهِ مَنْ مَضَى فَالزَّاعِبُ عَنْكُمْ مَارِقٌ وَاللَّازِمُ لَكُمْ لَاحِقٌ وَالْمُقَصَّرُ فِي حَقِّكُمْ زَاهِقٌ وَالْحَقُّ مَعَكُمْ وَفِيكُمْ وَمِنْكُمْ وَالْإِيكُمُ وَأَنْتُمْ أَهْلُهُ وَمَعِيدَتُهُ وَمِيرَاثُ النَّبُوَّةِ عِنْدَكُمْ وَإِيَابُ الْخَلْقِ إِلَيْكُمْ وَحِسَابُهُمْ عَلَيْكُمْ وَفَضْلُ الْخِطَابِ عِنْدَكُمْ وَآيَاتُ اللَّهِ لِمَدَائِكُمْ وَعَزَائِمُهُ فِيكُمْ وَنُورُهُ وَبُزْهَانُهُ عِنْدَكُمْ وَأَمْرُهُ إِلَيْكُمْ مِنَ الْوَالِكُمْ فَسَدَّ وَالِي اللَّهِ وَمَنْ عَادَاكُمْ فَسَدَّ عَادَى اللَّهِ وَمَنْ أَحْبَبَكُمْ فَسَدَّ أَحَبَّ اللَّهُ [وَمَنْ أَبْغَضَكُمْ فَسَدَّ أَبْغَضَ اللَّهُ] وَمَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ فَسَدَّ اعْتَصَمَ بِاللَّهِ أَنْتُمْ الصِّرَاطُ الْمَقْوَمُ [السَّبِيلُ الْأَعْظَمُ] وَشُهَدَاءُ دَارِ الْفَنَاءِ وَشَفَعَاءُ دَارِ الْبَقَاءِ وَالرَّحْمَةُ الْمَوْصُولَةُ وَالْآيَةُ الْمَحْزُونَةُ وَالْأَمَانَةُ الْمَحْفُوظَةُ وَالْبَابُ الْمُبْتَلَى بِهِ النَّاسُ مَنْ آتَاكُمْ نَجَا وَمَنْ لَمْ يَأْتِكُمْ هَلَكَ إِلَى اللَّهِ تَدْعُونَ وَعَلَيْهِ تَدْلُونَ وَبِهِ تُؤْمِنُونَ وَلَهُ تَسْلِمُونَ وَبِأَمْرِهِ تَعْمَلُونَ وَإِلَى سَبِيلِهِ تُرْشِدُونَ وَيَقُولُ تَحْكُمُونَ سَعِدَ مَنْ وَالَاكُمْ وَهَلَكَ مَنْ عَادَاكُمْ وَخَابَ مَنْ جَحَدَكُمْ وَضَلَّ مَنْ فَارَقَكُمْ وَفَازَ مَنْ تَمَسَّكَ بِكُمْ وَأَمِنَ مَنْ لَجَأَ إِلَيْكُمْ وَسَلِمَ مَنْ صَدَّقَكُمْ وَهُدِيَ مَنْ اعْتَصَمَ بِكُمْ مَنِ اتَّبَعَكُمْ فَالْجَنَّةُ مَأْوَاهُ وَمَنْ خَالَفَكُمْ فَالنَّارُ مَثْوَاهُ وَمَنْ جَحَدَكُمْ كَافِرٌ وَمَنْ حَارَبَكُمْ مُشْرِكٌ وَمَنْ رَدَّ عَلَيْكُمْ فِي أَسْفَلِ دَرْكٍ مِنَ الْجَحِيمِ أَشْهَدُ أَنَّ هَذَا سَابِقٌ لَكُمْ فِيمَا مَضَى وَجَارٍ لَكُمْ فِيمَا بَقِيَ وَأَنَّ أَرْوَاحَكُمْ وَنُورَكُمْ وَطَيْبَتِكُمْ وَاحِدَةٌ طَابَتْ وَطَهَّرَتْ بَعْضُهَا مِنْ بَعْضِ خَلْقِكُمْ اللَّهُ أَنْوَارًا فَجَعَلَكُمْ بَعْزُهُ مُحَدِّقِينَ حَتَّى مَنَّ عَلَيْنَا بِكُمْ فَجَعَلَكُمْ فِي بَيُوتِ أذنِ اللَّهِ أَنْ تُرْفَعَ وَيُذَكَّرَ فِيهَا اسْمُهُ وَجَعَلَ صِيَمَاتَنَا [صِيَمَاتِنَا]

عَلَيْكُمْ وَ مَا خَصَّنَا بِهِ مِنْ وَلَائَتِكُمْ طَبِيبًا لَخَلَقْنَا [لِخَلْقِنَا] وَ طَهَارَةً لِأَنْفُسِنَا وَ تَرْكِيهًا [بِرَكَّةً] لَنَا وَ كَفَّارَةً لِدُنُونِنَا فَكُنَّا عِنْدَهُ مُسْلِمِينَ بِفَضْلِكَمْ وَ مَعْرُوفِينَ بِتَضَدِّيقِنَا إِيَّاكُمْ فَبَلَغَ اللَّهُ بِكُمْ أَشْرَفَ مَحَلِّ الْمُكْرَمِينَ وَ أَعْلَى مَنَازِلِ الْمُقَرَّبِينَ وَ أَرْفَعَ دَرَجَاتِ الْمُرْسَلِينَ حَيْثُ لَا يَلْحَقُهُ لَاحِقٌ وَ لَا يَفُوقُهُ فَائِقٌ وَ لَا يَشْبِهُهُ سَابِقٌ وَ لَا يَطْمَعُ فِي إِدْرَاكِهِ طَامِعٌ حَتَّى لَا يَبْقَى مَلَكٌ مُقَرَّبٌ وَ لَا نَبِيٌّ مُرْسَلٌ وَ لَا صِدِّيقٌ وَ لَا شَهِيدٌ وَ لَا عَالِمٌ وَ لَا جَاهِلٌ وَ لَا ذَنْبِيٌّ وَ لَا فَاضِلٌ وَ لَا مُؤْمِنٌ صَالِحٌ وَ لَا فَاجِرٌ طَالِحٌ وَ لَا جَبَّارٌ عَنِيدٌ وَ لَا شَيْطَانٌ مَرِيدٌ وَ لَا خَلْقٌ فِيمَا بَيْنَ ذَلِكَ شَهِيدٌ إِلَّا عَرَفْتُهُمْ جَلَالَهُ أَمْرِكُمْ وَ عِظَمَ خَطَرِكُمْ وَ كِبَرَ شَأْنِكُمْ وَ تَمَامَ نُورِكُمْ وَ صِدْقَ مَقَاعِدِكُمْ وَ ثَبَاتَ مَقَامِكُمْ وَ شَرَفَ مَحَلِّكُمْ وَ مَنَزَلَتِكُمْ عِنْدَهُ وَ كَرَامَتِكُمْ عَلَيْهِ وَ خَاصَّتِكُمْ لَدَيْهِ وَ قُرْبَ مَنَزَلَتِكُمْ مِنْهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ أَهْلِي وَ مَالِي وَ أَسْرَتِي أَشْهَدُ اللَّهُ وَ أَشْهَدُكُمْ أَنِّي مُؤْمِنٌ بِكُمْ وَ بِمَا آمَنْتُمْ بِهِ كَافِرٌ بِعِدْوِكُمْ وَ بِمَا كَفَرْتُمْ بِهِ مُسْتَبْتِرٌ بِشَأْنِكُمْ وَ بِضَمَالِهِ مَنْ خَالَفَكُمْ مُوَالٍ لَكُمْ وَ لِأَوْلِيَائِكُمْ مُبْغِضٌ لِأَعْدَائِكُمْ وَ مَعَادٍ لَهُمْ سِلْمٌ لِمَنْ سِوَالِكُمْ وَ حَرْبٌ لِمَنْ حَارَبَكُمْ مُحَقِّقٌ لِمَا حَقَّقْتُمْ مُبْطِلٌ لِمَا أَبْطَلْتُمْ مُطِيعٌ لَكُمْ عَارِفٌ بِحَقِّكُمْ مُقَرَّبٌ بِفَضْلِكُمْ مُحْتَمِلٌ لِعِلْمِكُمْ مُحْتَجِبٌ بِذِمَّتِكُمْ مُعْتَرِفٌ بِكُمْ مُؤْمِنٌ بِإِيَابِكُمْ مُصَدِّقٌ بِرَجْعَتِكُمْ مُسْتَنْظِرٌ لِأَمْرِكُمْ مُرْتَقِبٌ لِذَوْلَتِكُمْ آخِذٌ بِقَوْلِكُمْ عَامِلٌ بِأَمْرِكُمْ مُسْتَجِيرٌ بِكُمْ زَائِرٌ لَكُمْ لِاتِّدَاعَاتِكُمْ بِقُبُورِكُمْ مُسْتَشْفِعٌ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ بِكُمْ وَ مُتَقَرَّبٌ بِكُمْ إِلَيْهِ وَ مُتَقَدِّمٌ أَمَامَ طَلِبَتِي وَ حَوَائِجِي وَ إِرَادَتِي فِي كُلِّ أَحْوَالِي وَ أُمُورِي مُؤْمِنٌ بِسِرِّكُمْ وَ عَلَانِيَتِكُمْ وَ شَاهِدِكُمْ وَ غَائِبِكُمْ وَ أَوْلِكُمْ وَ آخِرِكُمْ وَ مَفُوضٌ فِي ذَلِكَ كُلِّهِ إِلَيْكُمْ وَ مُسَلِّمٌ فِيهِ مَعَكُمْ وَ قَلْبِي لَكُمْ مُسَلِّمٌ وَ رَأْيِي لَكُمْ تَبِعٌ وَ نَصْرَتِي لَكُمْ مَعْدَةٌ حَتَّى يُحْيِيَ اللَّهُ تَعَالَى دِينَهُ بِكُمْ وَ يُرِدَّكُمْ فِي أَيَّامِهِ وَ يُظَهِّرَكُمْ لِعَدْلِهِ وَ يُمَكِّنْكُمْ فِي أَرْضِهِ فَمَعَكُمْ مَعَكُمْ لَمَّا مَعَ غَيْرِكُمْ [عِدْوِكُمْ] آمَنْتُ بِكُمْ وَ تَوَلَّيْتُ آخِرَكُمْ بِمَا تَوَلَّيْتُ بِهِ أَوْلَكُمْ وَ بَرَّيْتُ إِلَى اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ مِنْ أَعْدَائِكُمْ وَ مِنْ الْجَبْتِ وَ الطَّاعُوتِ وَ الشَّيَاطِينِ وَ حِزْبِهِمُ الظَّالِمِينَ لَكُمْ [وَ] الْجَاهِدِينَ لِحَقِّكُمْ وَ الْمَارِقِينَ مِنْ وَلَائَتِكُمْ وَ الْغَاصِبِينَ لِإِزْتِكُمْ [وَ] الشَّاكِينَ فِيكُمْ [وَ] الْمُتَحَرِّفِينَ عَنْكُمْ وَ مِنْ كُلِّ وَ لِيَجِيَهُ دُونَكُمْ وَ كُلِّ مَطَاعٍ سِوَاكُمْ وَ مِنَ الْأَثَمَةِ الَّذِينَ يَدْعُونَ إِلَى النَّارِ فَجَبَّتِي اللَّهُ أَيَّدًا مِمَّا حَبِيتُ عَلَى مُوَالَاتِكُمْ وَ مَحَبَّتِكُمْ وَ دِينِكُمْ وَ وَفَّقَنِي لَطَاعَتِكُمْ وَ رَزَقَنِي شَفَاعَتِكُمْ وَ جَعَلَنِي مِنْ خِيَارِ مُوَالِيكُمْ التَّابِعِينَ لِمَا دَعَوْتُمْ إِلَيْهِ وَ جَعَلَنِي مِمَّنْ يَقْتَضُ آثَارَكُمْ وَ يَسِيلُكُمْ سَبِيلَكُمْ وَ يَهْتَدِي بِهَيْدَاتِكُمْ وَ يُحْشِرُ فِي زُمْرَتِكُمْ وَ يَكْرُ فِي رَجْعَتِكُمْ وَ يَمْلِكُ فِي ذَوْلَتِكُمْ وَ يُشَرِّفُ فِي عَافِيَتِكُمْ وَ يَمَكِّنُ فِي أَيَّامِكُمْ وَ تَقَرُّ عَيْنُهُ غَدًا بِرُؤْيِيَتِكُمْ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي مَنْ أَرَادَ اللَّهُ يَدًّا بِكُمْ وَ مَنْ وَحَدَهُ قَبْلَ عَنْكُمْ وَ مَنْ قَصَدَهُ تَوَجَّهَ بِكُمْ مُوَالِيٌّ لَا أَحْصِي ثَنَاءَكُمْ وَ لَا أَبْلُغُ مِنَ الْمِدْحِ كُنْهَكُمْ وَ مِنَ الْوَصْفِ قَدْرَكُمْ وَ أَنْتُمْ نُورُ الْأَخْيَارِ وَ هَيْدَاةُ الْأَبْرَارِ وَ حَرَجُ الْجَبَّارِ بِكُمْ فَتَبَحَّ اللَّهُ وَ بِكُمْ يَخْتِمُ [اللَّهُ] وَ بِكُمْ يُنَزِّلُ الْعَيْثَ * وَ بِكُمْ يُمَسِّكُ السَّمَاءَ أَنْ تَفْصَعَ عَلَى الْأَرْضِ إِلَّا بِإِذْنِهِ وَ بِكُمْ يُنْفَسُ الْهَمُّ وَ يَكْشِفُ الضَّرَّ وَ عِنْدَكُمْ مَا نَزَلَتْ بِهِ رُسُلُهُ وَ هَبَطَتْ بِهِ مَلَائِكَتُهُ وَ إِلَى جَدِّكُمْ

و اگر زیارت امیر المؤمنین علیه السلام باشد بجای و «إلى جدكم» بگو:

وَ إِلَى أَحْيِكَ بُعِثَ الرُّوحَ الْأَمِينُ آتَاكُمْ اللَّهُ مَا لَمْ يُؤْتِ أَحَدًا مِنَ الْعَالَمِينَ طَاطًا كُلُّ شَرِيفٍ لِشَرَفِكُمْ وَ بَخَعَ كُلُّ مُتَكَبِّرٍ لَطَاعَتِكُمْ وَ خَضَعَ كُلُّ جَبَّارٍ لِفَضْلِكُمْ وَ ذَلَّ كُلُّ شَيْءٍ لَكُمْ وَ أَشْرَقَتِ الْأَرْضُ بِنُورِكُمْ وَ فَازَ الْفَائِزُونَ بِوَلَائَتِكُمْ بِكُمْ يُسَلِّكُ إِلَى الرُّضْوَانِ وَ عَلَى مَنْ جَحَدَ وَ لَمَّا يَتَكَّمُ غَضَبُ الرَّحْمَنِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ نَفْسِي وَ أَهْلِي وَ مَالِي ذِكْرَكُمْ فِي الذَّاكِرِينَ وَ أَسْمَاؤُكُمْ فِي الْأَسْمَاءِ وَ أَحْسَابُكُمْ فِي الْأَجْسَادِ وَ أَرْوَاحُكُمْ فِي الْأَرْوَاحِ وَ أَنْفُسُكُمْ فِي النَّفُوسِ وَ آثَارُكُمْ فِي الْأَثَارِ وَ قُبُورُكُمْ فِي الْقُبُورِ فَمَا أَحَلَى أَسْمَاءَكُمْ وَ أَكْرَمَ أَنْفُسَكُمْ وَ أَعْظَمَ شَأْنَكُمْ وَ أَحْيَلَّ خَطَرَكُمْ وَ أَوْفَى عَهْدَكُمْ [وَ] أَصْدَقَ وَعْدَكُمْ] كَلَامُكُمْ نُورٌ وَ أَمْرُكُمْ رُشْدٌ وَ وَصِيَّتُكُمْ التَّقْوَى وَ فِعْلُكُمْ الْخَيْرُ وَ عِبَادَتُكُمْ الْإِحْسَانَ وَ سَجِيَّتُكُمْ الْكِرَامَ وَ شَأْنُكُمْ الْحَقَّ وَ الصِّدْقَ وَ الرَّفْقَ وَ قَوْلُكُمْ حُكْمَ وَ حُكْمَ وَ رَأْيُكُمْ عِلْمٌ وَ حِلْمٌ وَ حَزْمٌ إِنَّ ذِكْرَ الْخَيْرِ كُنْتُمْ أَوْلَاهُ وَ أَصِيلُهُ وَ فَرْعُهُ وَ مَعْدَنُهُ وَ مَاوَاهُ وَ مُنْتَهَاهُ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ نَفْسِي كَيْفَ أَصِفُ حُسْنَ ثَنَائِكُمْ وَ أَحْصِي جَمِيلَ بَلَائِكُمْ وَ بِكُمْ أَخْرَجْنَا اللَّهُ مِنَ الذُّلِّ وَ فَرَجَ عَنَّا غَمْرَاتِ الْكُرُوبِ وَ أَنْقَذَنَا مِنْ شَفَا جُرْفِ الْهَلَكَاتِ وَ مِنَ النَّارِ بِأَبِي أَنْتُمْ وَ أُمَّي وَ نَفْسِي بِمُوَالَاتِكُمْ عَلَّمْنَا اللَّهُ مَعَالِمَ دِينِنَا وَ أَصْلَحَ مَا كَانَ فَسَادًا مِنْ دُنْيَانَا وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تَمَّتِ الْكَلِمَةُ وَ عَظُمَتِ النِّعْمَةُ وَ ائْتَلَفَتِ الْفُرْقَةُ وَ بِمُوَالَاتِكُمْ تَقَبَّلَ الطَّاعَةُ الْمُفْتَرَضَةُ وَ لَكُمْ الْمَوَدَّةُ الْوَاجِبَةُ وَ الدَّرَجَاتُ الرَّفِيعَةُ وَ الْمَقَامُ الْمَحْمُودُ وَ الْمَكَانُ [وَ] الْمَقَامُ الْمَعْلُومُ عِنْدَ اللَّهِ عَزَّ وَ جَلَّ وَ الْجَاهُ الْعَظِيمُ وَ الشَّانُ الْكَبِيرُ وَ الشَّفَاعَةُ الْمَقْبُولَةُ رَبَّنَا آمَنَّا بِمَا أَنْزَلْتَ وَ اتَّبَعْنَا الرَّسُولَ فَارْتَبْنَا مَعَ الشَّاهِدِينَ رَبَّنَا لَا تَنْرُغْ قُلُوبَنَا بَعْدَ إِذْ هَدَيْتَنَا وَ هَبْ لَنَا مِنْ

لَدُنْكَ رَحْمَةً إِنَّكَ أَنْتَ الْوَهَّابُ سُبْحَانَ رَبَّنَا إِنْ كَانَ وَعْدُ رَبَّنَا لَمَفْعُولًا يَا وَلِيَّ اللَّهِ إِنْ بَيْنِي وَبَيْنَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ ذُنُوبًا لَا يَأْتِي عَلَيْهَا إِلَّا رِضَاكُمْ فَبِحَقِّ مَنْ ائْتَمَنَكُمْ عَلَى سِرِّهِ وَاسْتَرْعَاكُمْ أَمْرَ خَلْقِهِ وَقَرْنَ طَاعَتَكُمْ بِطَاعَتِهِ لَمَا اسْتَوْهَبْتُمْ ذُنُوبِي وَكُنْتُمْ شُفَعَائِي فَإِنِّي لَكُمْ مُطِيعٌ مِنْ أَطَاعِكُمْ فَقَدْ أَطَاعَ اللَّهُ وَ مَنْ عَصَاكُمْ فَقَدْ عَصَى اللَّهَ وَ مَنْ أَحَبَّكُمْ فَقَدْ أَحَبَّ اللَّهَ وَ مَنْ أَبْغَضَكُمْ فَقَدْ أَبْغَضَ اللَّهَ اللَّهُ اللَّهُمَّ إِنِّي لَوْ وَجِدْتُ شُفَعَاءَ أَقْرَبَ إِلَيْكَ مِنْ مُحَمَّدٍ وَ أَهْلِ بَيْتِهِ الْأَخْيَارِ الْأَنْمَةِ الْأَبْرَارِ لَجَعَلْتُهُمْ شُفَعَائِي فَبِحَقِّهِمُ الَّذِي أَوْجَبَتْ لَهُمْ عَلَيْكَ أَسْأَلُكَ أَنْ تُدْخِلَنِي فِي جُمْلَةِ الْعَارِفِينَ بِهِمْ وَ بِحَقِّهِمْ وَ فِي زُمْرَةِ الْمُزْحُومِينَ بِشَفَاعَتِهِمْ إِنَّكَ أَرْحَمُ الرَّاحِمِينَ* وَ صَلِّ عَلَى اللَّهِ عَلَى مُحَمَّدٍ وَ آلِهِ الطَّاهِرِينَ وَ سَلِّمْ [تَسْلِيمًا] كَثِيرًا وَ حَسْبُنَا اللَّهُ وَ نِعْمَ الْوَكِيلُ

مؤلف گوید که این زیارت را شیخ نیز در تهذیب نقل کرده و بعد از این دعای وداعی نقل کرده‌اند که ما به ملاحظه اختصار آن را ذکر ننمودیم و این زیارت چنانکه علامه مجلسی فرموده بهترین زیارت جامعه است از جهت متن و سند و فصاحت و بلاغت و والد ماجدش در شرح فقیه فرموده که این زیارت احسن و اکمل زیارات است و من تا در عتبات عالیات بودم زیارت نکردم ائمه علیهم السلام را مگر به این زیارت

پاورقی بخش سوم

(۱) - بحار الانوار/ ج ۱۰۲ / ص ۱۴۴.

بخش چهارم: گفتارهای نورانی از امام هادی علیه السلام

اشاره

۱- فضیلت علمای شیعه

قال الامام العسكري عليه السلام: قال علي بن محمد عليهما السلام: «لو لا من يبقى بعد غيبة قائمكم عليه السلام من العلماء، الداعين اليه، و الدالين عليه، و الذابين عن دينه بحجج الله، و المنقذين لضعفاء عبادالله من شباك ابليس و مردته، و من فشاخ النواصب، لما بقى أحد الا ارتد عن دين الله، ولكنهم الذين يمسكون أزمه قلوب ضعفاء الشيعة كما يمسك صاحب السفينة سكانها، أولئك هم الأفضلون عندالله عزوجل.»

امام عسکری علیه السلام از امام هادی علیه السلام نقل می کند که فرمود:

اگر پس از غیبت قائم آل محمد عجل الله تعالی فرجه الشریف، از عالمان کسی نمی ماند که به سوی خدا دعوت، و راهنمایی کند، و با [براهین و] حجج الهی از دینش دفاع کند، و بندگان ناتوان خدا را از دام های ابلیس و سرکشان، و از تله های نواصب (۱) برهاند، همه از دین خدا برمی گشتند، ولی ایشان زمام دل های شیعیان ناتوان را [در دریای توفانی جهل و ظلم]، همچون ناخدای سکان دار کشتی در دست دارند، ایشان نزد خدای سبحان برترین منزلت را دارند.

۲- مال حرام

کلینی با سند خود از داوود صرمی نقل می کند که گفت: امام هادی علیه السلام فرمود: داوود! حرام، رشد و فرونی ندارد، و اگر هم داشته باشد برکت ندارد، و آنچه از حرام انفاق شود، پاداش ندارد، و آنچه از حرام پس از انسان باقی می ماند، توشه ی آتش او خواهد بود. (۲)

۳- قال عليه السلام: «مَنْ اتَّقَى اللَّهَ يَتَّقَى، وَ مَنْ أَطَاعَ اللَّهَ يُطَاعُ، وَ مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَيِّئَاتِ الْمَخْلُوقِينَ، وَ مَنْ أَسيءَ الْخَالِقَ فَقَمَّنْ أَنْ يُحِلَّ بِهِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ.» (۳)

فرمود: کسی که تقوی الهی را رعایت نماید و مطیع احکام و مقررات الهی باشد، دیگران مطع او می‌شوند. و هر شخصی که اطاعت از خالق نماید، باکی از دشمنی و عداوت انسان‌ها نخواهد داشت؛ و چنانچه خدای متعال را با معصیت و نافرمان خود به غضب درآورد، پس سزاوار است که مورد خشم و دشمنی انسان‌ها قرار گیرد.

۴- قال علیه السلام: «مِنْ أُنْسٍ بِاللَّهِ اسْتَوْحَشَ مِنَ النَّاسِ، وَ عَلَامَةُ الْأُنْسِ بِاللَّهِ الْوَحْشَةُ مِنَ النَّاسِ.» (۴)

فرمود: کسی که با خداوند متعال مونس باشد و او را آنیس خود بداند، از مردم احساس وحشت می‌کند. و علامت و نشانه آنس با خداوند وحشت از مردم است - یعنی از غیر خدا نهراسیدن و از مردم احتیاط و دوری کردن -.

۵- قال علیه السلام: «السَّهْرُ أَلَذُّ الْمَنَامِ، وَ الْجُوعُ يَزِيدُ فِي طَيِّبِ الطَّعَامِ.» (۵)

فرمود: شب زنده‌داری، خواب بعد از آن را لذیذ می‌گرداند؛ و گرسنگی در خوشمزگی طعام می‌افزاید - یعنی هر چه انسان کمتر بخوابد بیشتر از خواب لذت می‌برد و هر چه کم خوراک باشد مزه غذا گواراتر خواهد بود -.

۶- قال علیه السلام: «الْهَزْلُ فُكَاهَةُ السُّفَهَاءِ، وَ صِنَاعَةُ الْجُهَّالِ.» (۶)

فرمود: مسخره کردن و شوخی‌های بی‌مورد - از بی‌خردی است و کار انسان‌های نادان می‌باشد.

۷- قال علیه السلام: «النَّاسُ فِي الدُّنْيَا بِالْأَمْوَالِ وَ فِي الْآخِرَةِ بِالْأَعْمَالِ.» (۷)

فرمود: مردم در دنیا به وسیله ثروت و تجملات شهرت می‌یابند ولی در آخرت به وسیله اعمال محاسبه و پاداش داده خواهند شد.

۸- قال علیه السلام: «مَخَالَطَةُ الْأَشْرَارِ تَدُلُّ عَلَى شَرِّ رَأْيٍ مِنْ يَخَالِطُهُمْ.» (۸)

فرمود: همنشین شدن و معاشرت با افراد شرور نشانه پستی و شرارت تو خواهد بود.

۹- قال علیه السلام: «يَأْتِي عُلَمَاءُ شِيعَتِنَا الْقَوَامُونَ لِيُصْعَفَاءَ مُحِبِّينَا وَ أَهْلٍ وَ لَائِنَا يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ الْأَنْوَارُ تَسْطَعُ مِنْ تَيْجَانِهِمْ.» (۹)

فرمود: علماء و دانشمندانی که به فریاد دوستان و پیروان ما برسند و از آن‌ها رفع مشکل نمایند، روز قیامت در حالی محشور می‌شوند که تاج درخشانی بر سر دارند و نور از آن‌ها می‌درخشد.

۱۰- قال علیه السلام: «إِذْ كُرِّ مَضْرَعَكَ بَيْنَ يَدَيْ أَهْلِكَ - وَ لَا طَيِّبَ يَمْنَعُكَ وَ لَا حَبِيبَ يَنْفَعُكَ.» (۱۰)

فرمود: به یاد آور و فراموش نکن آن حالت و موقعی را که در میان جمع اعضاء خانواده و آشنایان قرار می‌گیری و لحظات آخر عمرت سپری می‌شود و هیچ پزشکی و دوستی - و ثروتی - نمی‌تواند تو را از آن حالت نجات دهد.

۱۱- قال علیه السلام: «الْحِكْمَةُ لَا تَنْجِعُ فِي الطَّبَاعِ الْفَاسِدَةِ.»

فرمود: حکمت اثری در دل‌ها و قلب‌های فاسد نمی‌گذارد.

۱۲- قال علیه السلام: «مَنْ رَضِيَ عَنِ نَفْسِهِ كَثُرَ السَّخِطُونَ عَلَيْهِ.»

فرمود: هر که از خود راضی باشد بدگویان او زیاد خواهند شد.

۱۳- قال علیه السلام: «الْمُصِيبَةُ لِلصَّابِرِ وَاحِدَةٌ وَ لِلجَّازِعِ اثْنَتَانِ.»

فرمود: مصیبتی که بر کسی وارد شود و صبر و تحمل نماید، تنها یک ناراحتی است؛ ولی چنانچه فریاد بزند و جزع کند دو ناراحتی خواهد داشت.

۱۴- قال علیه السلام: «إِنَّ لِلَّهِ بِقَاعًا يُحِبُّ أَنْ يُدْعَى فِيهَا فَيَسْتَجِيبَ لِمَنْ دَعَاهُ، وَ الْحَيْرُ مِنْهَا.»

فرمود: برای خداوند بقعه‌هایی است که دوست دارد در آن‌ها خدا خوانده شود تا آن دعاها را مستجاب گرداند که یکی از بقعه‌ها

حائر و حرم امام حسین علیه السلام خواهد بود. ۱۵- قال علیه السلام: «مَنْ هَانَتْ عَلَيْهِ نَفْسُهُ فَلَا تَأْمَنُ شَرَّهُ.»

فرمود: هر کس به خویشتن اهانت کند (کنترل نفس نداشته باشد) خود را از شر او در امان ندان.

۱۶- قال علیه السلام: «لَمْ يَزَلِ اللَّهُ وَحْدَهُ لَا شَيْءَ مَعَهُ، ثُمَّ خَلَقَ الْأَشْيَاءَ بَدِيعًا، وَ اخْتَارَ لِنَفْسِهِ أَحْسَنَ الْأَسْمَاءِ.»

فرمود: خداوند از ازل، تنها بود و چیزی با او نبود، تمام موجودات را با قدرت خود آفریده، و بهترین نام‌ها را برای خود برگزید.

۱۷- قال علیه السلام: «إِذَا قَامَ الْقَائِمُ يَفْضِي بَيْنَ النَّاسِ بِعِلْمِهِ كَقَضَاءِ دَاوُدَ عَلَيْهِ السَّلَامُ وَلَا يَسْأَلُ الْبَيِّنَةَ.»

فرمود: زمانی که حضرت حجت عجل الله تعالی فرجه الشریف قیام نماید در بین مردم به علم خویش قضاوت می نماید؛ همانند حضرت داود علیه السلام که از دلیل و شاهد سؤال نمی فرماید.

۱۸- قال علیه السلام: «مَنْ أَطَاعَ الْخَالِقَ لَمْ يُبَالِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ وَمَنْ أَسَخَطَ الْخَالِقَ فَفَقِمَنْ أَنْ يُحِلَّ بِهِ سَخَطَ الْمَخْلُوقِينَ.»

فرمود: هر کس مطیع و پیرو خدا باشد از قهر و کارشکنی دیگران باکی نخواهد داشت.

۱۹- قال علیه السلام: «الْعِلْمُ وَرَأْيُهُ كَرِيمَةٌ وَالْأَدَابُ حُلٌّ حَسَنٌ وَالْفِكْرَةُ مِرْآةٌ صَافِيَةٌ.»

فرمود: علم و دانش بهترین یادبود برای انتقال به دیگران است، ادب زیباترین نیکی‌ها است و فکر و اندیشه آئینه ی صاف و تزیین کننده ی اعمال و برنامه‌ها است.

۲۰- قال علیه السلام: «الْعُجْبُ صَارِفٌ عَنِ طَلَبِ الْعِلْمِ، دَاعٍ إِلَى الْعَمَطِ وَالْجَهْلِ.»

فرمود: خودبینی و غرور، انسان را از تحصیل علوم باز می دارد و به سمت حقارت و نادانی می کشاند.

۲۱- قال علیه السلام: «الْعِتَابُ مِفْتَاحُ الثَّقَالِ وَالْعِتَابُ خَيْرٌ مِنَ الْحَقْدِ.»

فرمود: (مواظب باش که) عتاب و پرخاش گری، مقدمه و کلید غضب است، ولی در هر حال پرخاش گری نسبت به کینه و دشمنی درونی بهتر است (چون کینه، ضررهای خطرناک تری را در بردارد).

۲۲- قال علیه السلام: «إِنَّ لَشَيْعَتِنَا بَوْلًا يَتَنَا لِعِصْمَةٍ، لَوْ سَلَكُوا بِهَا فِي لُجَّةِ الْبَحَارِ الْغَامِرَةِ.»

فرمود: همانا ولایت ما اهل بیت برای شیعیان و دوستانمان پناهگاه امنی می باشد که چنانچه در همه ی امور به آن تمسک جویند، بر تمام مشکلات (مادی و معنوی) فایق آیند.

۲۳- قال: سألته عن الحلم؟ فقال علیه السلام: «هو أن تملك نفسك و تكظم غيظك، و لا يكون ذلك الا مع القدرة.»

یکی از اصحاب از آن حضرت پیرامون معنای حلم و بردباری سؤال نمود

حضرت در پاسخ فرمود: این که در هر حال مالک نفس خود باشی و خشم خود را فرو ببری و آن را خاموش نمائی و این تحمل و بردباری در حالی باشد که توان مقابله با شخصی را داشته باشی.

۲۴- قال علیه السلام: «إِنَّ اللَّهَ جَعَلَ الدُّنْيَا دَارَ بَلْوَى وَالْآخِرَةَ دَارَ عُقْبَى، وَجَعَلَ بَلْوَى الدُّنْيَا لِنُؤَابِ الْآخِرَةِ سَيِّبًا وَنُؤَابَ الْآخِرَةِ مِنْ بَلْوَى الدُّنْيَا عَوْضًا.»

فرمود: همانا خداوند، دنیا را جایگاه بلاها و امتحانات و مشکلات قرار داد؛ و آخرت را جایگاه نتیجه گیری زحمات، پس بلاها و زحمات و سختی‌های دنیا را وسیله ی رسیدن به مقامات آخرت قرار داد و اجر و پاداش زحمات دنیا را در آخرت عطا می فرماید.

باورقی بخش چهارم

(۱)- ابن ادریس حلی با سند خود از محمد بن احمد... و موسی بن محمد... نقل می کند که گفت:

با نامه از امام هادی علیه السلام پرسیدم: آیا در آزمون ناصبی به بیش از این نیاز دارم که ببینم جبت و طاغوت را مقدم می دارد و به امامت ایشان باور دارد؟ در پاسخم نوشت: هر که بر این باور باشد او ناصبی است. (السرائر/ج ۳/ص ۵۸۳؛ وسائل/ج ۶/ص ۳۴۱/ح ۱۴).

(۲)- وسائل/ج ۱۲/ص ۵۳/ح ۲۲۰۴۲؛ کافی/ج ۵/ص ۱۲۵/ح ۷.

(۳)- بحارالانوار/ج ۶۸/ص ۱۸۲/ح ۴۱.

- (۴) - عده الداعی / ص ۲۰۸.
- (۵) - بحار الانوار ج ۸۴ / ص ۱۷۲.
- (۶) - بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۳۶۹ / ح ۲۰.
- (۷) - اعیان الشیعه / ج ۲ / ص ۳۹.
- (۸) - مستدرک الوسایل / ج ۱۲ / ص ۳۰۸ / ح ۱۴۱۶۲.
- (۹) - بحار الانوار / ج ۲ / ص ۶ / ح ۱۳.
- (۱۰) - اعلام الدین / ص ۳۱۱.
- (۱۱) - اعلام الدین / ص ۳۱۱.
- (۱۲) - بحار الانوار / ج ۶۹ / ص ۳۱۶ / ح ۲۴.
- (۱۳) - اعلام الدین / ص ۳۱۱ / س ۴.
- (۱۴) - تحف العقول / ص ۳۵۷.
- (۱۵) - تحف العقول / ص ۳۸۳.
- (۱۶) - بحار الانوار / ج ۵۷ / ص ۸۳ / ح ۶۴.
- (۱۷) - بحار الانوار / ج ۵۰ / ص ۲۶۴ / ح ۲۴.
- (۱۸) - بحار الانوار / ج ۵۰ / ص ۱۷۷ / ح ۵۶.
- (۱۹) - مستدرک الوسایل / ج ۱۱ / ص ۱۸۴ / ح ۴.
- (۲۰) - بحار الانوار / ج ۷۵ / ص ۳۶۹ / س ۴.
- (۲۱) - نزهه الناظر / ص ۱۳۹ / ح ۱۲.
- (۲۲) - بحار الانوار / ج ۵۰ / ص ۲۱۵ / ح ۱.
- (۲۳) - مستدرک الوسایل / ج ۲ / ص ۳۰۴ / ح ۷.
- (۲۴) - تحف العقول / ص ۳۵۸.

درباره مرکز تحقیقات رایانه‌ای قائمیه اصفهان

بسم الله الرحمن الرحيم
 جَاهِدُوا بِأَمْوَالِكُمْ وَأَنْفُسِكُمْ فِي سَبِيلِ اللَّهِ ذَلِكُمْ خَيْرٌ لَّكُمْ إِن كُنْتُمْ تَعْلَمُونَ (سوره توبه آیه ۴۱)
 با اموال و جانهای خود، در راه خدا جهاد نمایید؛ این برای شما بهتر است اگر بدانید حضرت رضا (علیه السلام): خدا رحم نماید
 بنده‌ای که امر ما را زنده (و برپا) دارد ... علوم و دانشهای ما را یاد گیرد و به مردم یاد دهد، زیرا مردم اگر سخنان نیکوی ما را (بی
 آنکه چیزی از آن کاسته و یا بر آن بیافزایند) بدانند هر آینه از ما پیروی (و طبق آن عمل) می کنند

بنادر البحار- ترجمه و شرح خلاصه دو جلد بحار الانوار ص ۱۵۹

بنیانگذار مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان شهید آیت الله شمس آبادی (ره) یکی از علمای برجسته شهر اصفهان بودند که در
 دلدادگی به اهل بیت (علیهم السلام) بخصوص حضرت علی بن موسی الرضا (علیه السلام) و امام عصر (عجل الله تعالی فرجه
 الشریف) شهره بوده و لذا با نظر و درایت خود در سال ۱۳۴۰ هجری شمسی بنیانگذار مرکز و راهی شد که هیچ وقت چراغ آن
 خاموش نشد و هر روز قوی تر و بهتر راهش را ادامه می دهند.

مرکز تحقیقات قائمیه اصفهان از سال ۱۳۸۵ هجری شمسی تحت اشراف حضرت آیت الله حاج سید حسن امامی (قدس سره الشریف) و با فعالیت خالصانه و شبانه روزی تیمی مرکب از فرهیختگان حوزه و دانشگاه، فعالیت خود را در زمینه های مختلف مذهبی، فرهنگی و علمی آغاز نموده است.

اهداف: دفاع از حریم شیعه و بسط فرهنگ و معارف ناب ثقلین (کتاب الله و اهل البیت علیهم السلام) تقویت انگیزه جوانان و عامه مردم نسبت به بررسی دقیق تر مسائل دینی، جایگزین کردن مطالب سودمند به جای بلوتوث های بی محتوا در تلفن های همراه و رایانه ها ایجاد بستر جامع مطالعاتی بر اساس معارف قرآن کریم و اهل بیت علیهم السلام با انگیزه نشر معارف، سرویس دهی به محققین و طلاب، گسترش فرهنگ مطالعه و غنی کردن اوقات فراغت علاقمندان به نرم افزار های علوم اسلامی، در دسترس بودن منابع لازم جهت سهولت رفع ابهام و شبهات منتشره در جامعه عدالت اجتماعی: با استفاده از ابزار نو می توان بصورت تصاعدی در نشر و پخش آن همت گمارد و از طرفی عدالت اجتماعی در تزریق امکانات را در سطح کشور و باز از جهتی نشر فرهنگ اسلامی ایرانی را در سطح جهان سرعت بخشید.

از جمله فعالیتهای گسترده مرکز:

الف) چاپ و نشر ده ها عنوان کتاب، جزوه و ماهنامه همراه با برگزاری مسابقه کتابخوانی

ب) تولید صدها نرم افزار تحقیقاتی و کتابخانه ای قابل اجرا در رایانه و گوشی تلفن همراه

ج) تولید نمایشگاه های سه بعدی، پانوراما، انیمیشن، بازیهای رایانه ای و ... اماکن مذهبی، گردشگری و ...

د) ایجاد سایت اینترنتی قائمیه www.ghaemiyeh.com جهت دانلود رایگان نرم افزار های تلفن همراه و چندین سایت مذهبی دیگر

ه) تولید محصولات نمایشی، سخنرانی و ... جهت نمایش در شبکه های ماهواره ای

و) راه اندازی و پشتیبانی علمی سامانه پاسخ گویی به سوالات شرعی، اخلاقی و اعتقادی (خط ۲۳۵۰۵۲۴)

ز) طراحی سیستم های حسابداری، رسانه ساز، موبایل ساز، سامانه خودکار و دستی بلوتوث، وب کیوسک، SMS و ...

ح) همکاری افتخاری با دهها مرکز حقیقی و حقوقی از جمله بیوت آیات عظام، حوزه های علمیه، دانشگاهها، اماکن مذهبی مانند مسجد جمکران و ...

ط) برگزاری همایش ها، و اجرای طرح مهد، ویژه کودکان و نوجوانان شرکت کننده در جلسه

ی) برگزاری دوره های آموزشی ویژه عموم و دوره های تربیت مربی (حضور و مجازی) در طول سال

دفتر مرکزی: اصفهان/خ مسجد سید/ حد فاصل خیابان پنج رمضان و چهارراه وفائی / مجتمع فرهنگی مذهبی قائمیه اصفهان

تاریخ تأسیس: ۱۳۸۵ شماره ثبت: ۲۳۷۳ شناسه ملی: ۱۰۸۶۰۱۵۲۰۲۶

وب سایت: www.ghaemiyeh.com ایمیل: Info@ghaemiyeh.com فروشگاه اینترنتی:

www.eslamshop.com

تلفن ۲۵-۲۳۵۷۰۲۳-۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) فکس ۲۳۵۷۰۲۲ (۰۳۱۱) دفتر تهران ۸۸۳۱۸۷۲۲ (۰۲۱) بازرگانی و فروش ۰۹۱۳۲۰۰۰۱۰۹ امور کاربران (۰۳۱۱)۲۳۳۳۰۴۵

نکته قابل توجه اینکه بودجه این مرکز؛ مردمی، غیر دولتی و غیر انتفاعی با همت عده ای خیر اندیش اداره و تامین گردیده و لی جوابگوی حجم رو به رشد و وسیع فعالیت مذهبی و علمی حاضر و طرح های توسعه ای فرهنگی نیست، از اینرو این مرکز به فضل و کرم صاحب اصلی این خانه (قائمیه) امید داشته و امیدواریم حضرت بقیه الله الاعظم عجل الله تعالی فرجه الشریف توفیق روزافزونی را شامل همگان بنماید تا در صورت امکان در این امر مهم ما را یاری نمایندانشالله.



مرکز تحقیقات و ترجمه

اصفهان

گام‌ها

WWW



برای داشتن کتابخانه های تخصصی
دیگر به سایت این مرکز به نشانی

www.Ghaemiyeh.com

www.Ghaemiyeh.net

www.Ghaemiyeh.org

www.Ghaemiyeh.ir

مراجعه و برای سفارش با ما تماس بگیرید.

۰۹۱۳ ۲۰۰۰ ۱۰۹

